# ارزش و اهمیت وقت

# وآداب تعلیم

بقلم : ننگِ اَسلاف  ابو محمد ریحان اللّه رمزی .

# مقدمه

از نیاز وضرورت شدید به علم، تمام اقوام جهان عموماً وملت مسلمان خصوصاً مستغنی وبی اعتنا بوده نمیتواند چون اولین پیام الهی به بنده مؤمن خوانش هست خداوند متعال درکلام پرحکمتش میفرمایند: **[اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ.یعنی]**( اي محمّد ! بخوان چيزي را كه به تو وحي مي شود . آن را بياغاز و بخوان به نام پروردگارت . آن كه ( همه جهان را ) آفريده است .

گویا اولین پیام الهی برای بندگانش تعلیم وارزش واهمیت علم هست، و از لعل سخنهای رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم آیت فوق بخوبی شرح وتوضیح میگردد، چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم به مسافرسفرعلم ، سهولت راه بهشت را مژده میدهد «**من سلك طريقا يلتمس فيه علما سهل الله له به طريقا الى الجنة**»[1] وگاهی زیر قدمهای طالب علم بالهای ملئکه را برمی افراشت وگاهی اسیری را به این شرط ازاِسارت (قید وبند) رهایی عنایت میفرماید که به یکی از مسلمانان نوشتن را بیاموزاند وگاهی مَهرِنکاح زن مسلمان را بالای شوهرش تعلیم قرآن (که باید به خانمش قرآن رابیاموزاند) قرار داد وه..... اما متأسفانه امروز بیشتر ازهمه مسلمان درمانده وپسمانده از میدان علم هست ،این امر برهیچ صاحب دانش وبینش پوشیده نیست که نسل جوان ما، شایسته وبایسته برای حصول علم سعی وکوشش نمیکند. وآینده سازان کشور عزیز ما در مکاتب ،مدارس و دانشگاها درمورد تعلیم وتربیه بی اعتنا بنظرمیرسند . از لحظات با ارزش زندگی استفاده درستی که باید یک دانشجو داشته باشد ندارند، واین دو عنصر(سعی وتلاش برای علم واستفاده از وقت) حیثیت کلیدی را در تحصیل علم دارا اند. از طرف دیگر عموما طلبای علم ومتعلمین وحتی محصلین دانشگاها از آداب تعلیم بی خبر اند ویا تجاهل عارفه اختیار کردند یعنی دیده ودانسته نمیخواهند پابند آداب وضوابط تعلیم باشند نه احترام کتاب

---

[1] - رواه مسلم.

ونه قلم ونه احترام به استاد  بلکه بی جا نخواهد بود اگر بگویم بی احترامی درمقابل استاد مود روز گشته  در مکاتب و دانشگاه های دولتی وخصوصی شاید روزی باشد که استادی توهین وتحقیر نگردد.واین عمل زشت برای یک دانش آموز زهر قاتل هست که بلآخره سبب مرگ ومیرعلمی و اخلاقی متعلم ودانشجو میگردد.همچنان متعلمین وطلبای علم درزندگی تعلیمی شان نظم وضبطی ندارند واکثراً بدون هدف ومقصد مشخص مشغول تعلیم اندومثل یک عادت رفت وآمد دارند.

ازمدتی این داعیه درقلبم موج زن بود تا درمورد اهمیت وارزش وقت وآداب تعلیم رسالهٔ به رشته تحریر درآورم تا باشد طلبه و دانشجویان عزیز ازاهمیت علم واداب تعلیم آگاه گردیده به تحصیل علم به جدیت ومسئولانه بپردازند و ممکن این کوشش بنده باعث  تشویق  دانشجویان وعامه هموطنان گرامی در مورد استفاده درست ازوقت ، واداب تحصیل گردد.اما مصروفیات گونا گون و بی بضاعتی علمی، بنده را به دوش گرفتن  این مسؤلیت بزرگ وادار نمی ساخت ، تا هم به توفیق الهی وباهمکاری وحوصله افزایی بعض دوستان مخلص جسارت نوشتن را نمودم.

این رساله  که مجموعه بعض اصول ضوابط وواقعات عبرت آموز و مضامین پندآموزواقوال حکیمانه است بر یک باب ودو فصل مشتمل هست , فصل اول ارزش واهمیت وقت ومتعلقات آنرا احتوا میکند ودرفصل دوم  اداب تحصیل گنجانیده شده اند. به امید اینکه سعی ناچیز بنده باعث اصلاح ورهنمایی بهتر دانشجوی گردیده ذریعه نجات وبخشش گناهان این عاصی گردد واین همه از لطف پروردگارم بعید نیست .

***أسأل الله بأسمائه الحسنى وصفاته العليا أن ينفعني بها وسائرالمسلمين إنه على كل شيء قدير، وبالإجابة جدير.***

**والسلام**

ننگِ اَسلاف **ابومحمّد (رمزی)**

.

بسم اللّه الرحمن الرحيم

# باب اول

## فصل اول:

## ارزش واهميت وقت

خداوند متعال درکتاب ازلی خويش ميفرمايند: **[وَالْعَصْرِ-إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ-إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ]**[2]**ترجمه:**قسم به زمانه که انسان (دراثرضايع کردن عمرخويش) درزيان بزرگی قرارگرفته است مگرکسانی که ايمان آوردند وکارهای نيک انجام دادند ويکديگر را (بر پايبندی بردين حق) توصيه نمودند ويکديگر را برحوصله (پايبندی به اعمال )توصيه کردند.

وگاهی ارزش وقت را به اين الفاظ بيان ميدارد:**هُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُوراً** [3] (خداي رحمان كسي است كه شب و روز را ( به طور متناوب ) جايگزين يكديگر مي سازد ، براي ( عبرت ) انساني كه بخواهد به ياد خدا باشد يا بخواهد ( نعمتهاي بي شمار آفريدگارش را ) سپاسگزاري كند.

و ارشاد گُهربارِ رسول اکرم صلی الله عليه وسلم هست : **عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنْ النَّاسِ الصِّحَّةُ وَالْفَرَاغُ**[4]

---

[2] -العصر

[3] - **[الفرقان:۶۲]**

[4] - **رواه البخاری - باب ماجآء فی الصّحة** .

مفهوم حديث است: **ازابن** عباس رضي الله عنهما روايت هست كه: نبي اكرم صلی الله علیه وسلم فرموند: «درباره دو نعمت، بسياري از مردم، دچار ضرر و زيان مي شوند (از آنها بهره برداري نمي كنند): يكي صحت و ديگري، فرا غت است» وبه همين اساس بعض ازبزرگان ميفرمايند: **(إن المغبون من غبن الليل والنهار)** بدون شبه(مراد از ) متضرران(استفاده نه كننده گان ازاوقات)شب و روز اند.

**وقت چيست؟؟؟**

وقت یک پدیده شخصی است وتنها شما مصرف کننده آن هستید چون وقت غیرقابل تغییر است لذا نه طولانی میگردد ونه کوتاه وقت قرض دادنی وذخیره کردنی هم نیست لذا باید قدر وقت را دانست چون وقت بهترین نعمت الهی و با ارزش ترین سرمایه انسان است ، وقت نعمتی هست که به امیر وغریب ،پیروجوان ،مرد و زن ،حاکم ومحکوم یکسان عطا گردیده، وقت هست که انسانرا به قُلّه های عظمت ویا به قعرذلت میکشاند،وقت مانند یخ است که اگر استعمالش کنیم مفید واگر بگذاریم قطره قطره ضایع میگردد ،وقت ظرف زندگی هست که عجایب روزگار ،خوشحالی وبدحالی زندگانی ،صحت وبیماری ،فقر وغنامندی،آسایش وتنگدستی را احتوا کرده . وقت مختصرست برای آنانیکه میخواهند از لحظات پُرمسرت زندگی تا دیر لذت ببرند،وقت اندک هست برای آنانیکه میخواهند به هرآرمان وآرزوهایشان برسند.وقت قلیل است برای آنانیکه که میخواهند درکا خانه زندگی واقعا کارنامه انجام دهند. اما وقت طویل است برای کسانیکه میخواهند از هِجر وفِراق یار رهایی حاصل کنند،وقت طول میکشد برای آنانیکه در آزمایش فتنه های زندگی قرارگرفته اند ،وقت طولانی است برای آنانیکه میخواهند از قیدوبند غم ورنج زندگی رهایی حاصل کنند ، وقت شمشیر بُرّان هست که اگرتوسطش نه بُری ترا خواهد بُرید .وبرای اهمیت وقت کافیست که پروردگار عالمیان بر او سوگند یادکرده **میفرماید: والعصر**: سوگند به زمان .

## آیا میدانید؟؟؟

هرگاه تاریکی شب همه را درآغوش میگیرد و آفتاب با روشنی تمام بر اهل زمین میتابد .این رفت وآمد شب و روز به ما 24ساعت ، چهارده صد وچهل1440 دقیقه ویا هشتاد وشش هزار وچهارصد 86400 ثانیه را مجانی ورایگان ارزانی میدارد؟ واین پیام را به تک تک فرد مکلف میرساند که : کیست که از این نعمت بیش بهای الهی استفاده درست کرده به امید و آرمانهای هردوجهان نایل گردد؟؟.و آفتاب با حرکت مداوم ودیرینه خویش هر روز اعلان میکند هرچه میخواهید امروز انجام دهید چون با همین فرصت دوباره برنمیگردم چنانچه حدیث مبارکه رسول گرامی صلی الله علیه وسلم است . مفهوم حدیث است که : هر روز وقت آفتاب طلوع میکند میگوید : **«مَنِ استطاع أنْ يَّعمل فیَّ خیرا فَلْيَعْمَلْهُ فإنِّی غیرُ مکرّرٍ علیکم أبدا»** [5] یعنی اگر کسی از شما توان نیکئ را داشته باشد پس باید(امروز) انجامش دهد چون دوباره مکرراً هرگز(بااین فرصت ) نخواهم برگشت.

**دریغا کـه بگـذشت عـمــــرعزیز　　بِخواهد گــذشت این دمِ چنــد نــیز**
**گــذشت آنچه در ناصوابی گذشت　　وراین نیز هم درنیـــابی گــذشت**
**کنـون وقت تخــم است اگــرپروری　　گــر اُمیــد داری کــه خــرمن بری**
**کنون کوش کآب از کـمر درگـذشت　　نــــه آنگه که سیلاب از سرگــشت**
**کنــونت کـــه چشم است اشکی بیـار　　زبــان دردهان است عُــــذری بیار**
**نـــه پیوستــــه باشد روان دربـــــدن　　نـــه هـــمواره گردد زبان دردهـــن**
**غنیــمت شمر این گـــرامی نــفس　　کــــه بی مرغ قیمـــت ندارد قفس**

خداوند منان شب و روز را به دنبال هم قرار داد تا اگر کسي در شب غفلت نمود در روز بتواند غفلت شب را جُبران نماید و اگر کسي در روز غفلت نمود، در شب غفلت

---

5-**أخرجه البیهقی فی شعب الإیمان (386/3 ، رقم 3840) ، والدیلمی (51/4 ، رقم 6160) والسیوطی فی جمع الجوامع اوالجا مع الکبیر- حرف میم.**

روز را جبران نمايد، شب و روز هردو وقت طاعت و نكوكاري و سپاسگزاري هستند، آنان كه با ايمان و بيدار و هوشيار اند نمي گذارند لحظه اي از وقت شان بيهوده بگذرد، شب هاي شان مطالعه و عبادت و نيكوكاري و خير عام و به دست آوردن رضاي خداست. اينان غفلت رابراي خود روا نمي دارند و كوشش شان اين است كه شب شان بهتر از روز و روزشان بهتر از شب باشد. به گفته شيخ سعدی:

**شب مردان خدا ، روز جهان افروز است - روشنان را به حقيقت ، شب ظلماني نيست.**

بسياري از مردم نمي دانند كه طول عُمر مايه ي اتمام حُجَّت است و كسي كه به عمر شصت سالگي رسيد و به راه نيامد بر خود اتمام حُجَّت نموده است، و پناه مي بريم به خدا از اين كه طول عمر برايمان مايه ي ننگ و اتمام حجت باشد.

پس ای برادر وخواهر عزیز ! گاهی درجَولانگاهی تفکرت درمورد ارزش وقت وارزش علم اندیشیده ای ؟ ویا درحاشیه خیالت درباره قدروقیمت وقت وعلم حاشیه زنی کرده ئی؟ آیا میدانی روزمره چند ساعات زندگیت درکارهای مفید وچه لحظات با ارزشت در لهو ولعب وبیهوده میگذرند؟ آیا میدانی هرثانیه ی را که حقیر وبی ارزش میدانی ودر زندگی بیست وبیست وپنج ساله ات اصلاً به آنها ارزش قائل نبودی اگر همه آنها را جمع وتفریق نمایی بدون شبه به دقایق وساعات وحتی به روز وشبها وماه وسال تبدیل خواهند گردید. اگر روزمره از همان دقایق زندگیت درظرف پنج دقیقه یک سوال دینی ، ساینسی ، اجتماعی ویا فرهنگی را میآموختی گویا سالانه (365) سوالات در حافظه ات محفوظ میگردیدند وبه این ترتیب درظرف بیست سال به حساب پنج دقیقه روزمره جواب هفت هزار وسیصد سوالات را از آنِ خود میساختی.وظاهر است که پنج دقیقه کمترین وقت است که بطور مثال ذکر گردید، ورنه ستاره گان درخشان آسمان علم برای تحصیل علم، وقف کردن نیم ساعت ویک ساعت حتی دوسه ساعت را توهین علم میدانند.چنانچه وقت از حضرت عبدالله بن مبارک پرسیدند تا چه وقت علم حاصل خواهی کرد؟ در جواب فرمودند: **الی الممات**

**ان شآءالله. یعنی:**(ان شآءالله تا روزمرگ .[6]پس اگر برای حصول علم روزمره یک ساعت را وقف میکردی، مَبْلَغ علمی ات به کجا میرسید خودت بهتر محاسبه کرده میتوانی. اما تا حال این احساس ، خموده وخاموش هست ودرخمیازه های غفلت سپری میگردد.واگر این احساس بیدار گردیده ، پس نباید نشسته بر ایَام گذشته اشکهای ندامت بریزی و آهِی پُرحسرت بکشی .چون وقتِ از دست رفته برنمیگردد و وقت آینده نیز درمعرض سقوط است ،آنچه نقد درکیسه داری وقت موجود هست که با اشکهای ندامت از دست میرود .نمیتوان این وقت را خرید ویا به اجاره گرفت ویا هم قید ساخت البته حالا هم میتوان با عزم راسخ و اراده قوی از آن استفاده نمود.

## درفراز ونشیب وقت رازِ ترقی وپیشرفت اقوام نهفته است:

وقت سرمایه افراد واقوام هست ،پیشرفتهای دنیاوی وأخروی، زمانی نصیب اقوام وملتها شده میتوانند که مصرف درست این سرمایه ی گرانبها را بدانند .فرد جزو جامعه هست و ماتحت الاسباب، تقدیر اقوام وملتها بدست افراد جامعه میباشد. اولین نشانه زوال یک قوم وملت این است که افراد آن قوم سرمایه وقت را بی باکانه استعمال وضایع میکنند. ملت اسلام که تاریخ درخشانِ دارد و از سرنگون شدن پرچم جاه ،جلال وعظمت وی دیری نگذشته ، قدر وقیمت وقت در فرایض مذهبی آنها شامل بود. و چون سرمشق وشعار این ملت غیور پابندی واستفاده از وقت بود برهمین اساس توانستند قرنها در جهان ، سیادت وقیادت انسانیت را بدوش گرفته درمیادین علم وحکمت نقوش ارزنده از خود بجا بگذارند و از چشمه های زلال آن تا امروز تشنگان علوم وفنون سیراب میگردند.دانشگاه ودرسگاه ها را چه ذکر !! از دربارهای شاهانه که باشندگان شان در عیش وطرَب زندگی میکردند ، نیز این درس

---

**[6]- قیل لابن المبارک :الی متی تطلب العلم ؟قال: الی الممات ان شآءالله.ذکر أبن عبد البر في ـ جامع بیان العلم ـ ( ت 463 هـ ) : عن نعیم بن حماد ( جـ 1 ، ص 96 ) .**

عبرت حاصل میگردید که :**هرآن عملیکه خالی از فایده باشد ولو به هراندازه شگفت انگیز و قابل تعجب باشد کمال زندگی نه بلکه زوال زندگیست.**

**دربارهارون الرشید:**

گفته میشود که یک مرتبه نزد هارون الرشید شخصی میآید واجازه میخواهد تا کمال ومهارت که دارد به شاه ودرباریانش به نمایش بگذارد.چنانچه اجازه داده میشود. آن شخص سوزن را در میان فرشِ دربار نصب میکند ودر فاصله ایستاده نشانه میگیرد وسوزن دیگری که در دست دارد پرتاب کرده از سوراخ سوزن نصب شده میگذراند وهمواره ، ده سوزن را یکی پی دیگری پرتاب نموده از سوراخ آن سوزن میگذراند.درباریان این عمل تعجب انگیز را دیده، داد تحسین میدهند، هارون رشید میگوید : به این شخص ده دینار بطور انعام بدهید و ده شلّاق بطورجزا بزنید. همه با این انعام عجیب اظهار تعجب کردند اما هارون الرشید فرمود: ده شلاق بخاطر زده شود که در یک کارعَبث وقتش را ضایع کرده اما ده دینار بخاطریکه یک چیزی آموخته است. [7]

## قوّت مغرب نه از چنگ و رُباب:

پیشرفت های چشم گیر ساینس وتکنالوژی اهل مغرب را همه داد تحسین میدهند،وهمه متأثر از آنها بنظرمیرسند اما اگر اندکی باندیشیم همه این پیشرفتها بدست انسانها صورت گرفته ومیگیرند. در بد ترین جوامع فَرَنگیان (اهل مغرب ) بهترین شعار آنها پابندی واستفاده از وقت است. صاحبی درکتابش مینویسد :این فرنگیها عشق را هم مطابق به وقت مقرره میکنند حتی دمِ عشق چشم شان بر ثانیه گرساعت میباشد.

---

7

- سکرترجورج واشنگتن یکبار چند دقیقه ناوقت به وظیفه آمد وعذرکرده گفت:آقا! ساعتم چند دقیقه پس مانده بود .جورج واشنگتن درجواب گفت :ساعتت را تبدیل کن ورنه سکرترم را تبدیل خواهم کرد.

- چینایی ها از بس که مصروف اند برای اخبار خوانی وقت ندارند آنها اخبار را در بیت الخلاء میخوانند .ومیگویند:

1- اشتباهی یک لحظه یک عمر اندوه، به بار میاورد.

2- هرلحظه ی از زمان را از آن خود گردان.

3-یک مترطلا نمیتواند یک متر وقت را بخرد.[8]

کفار صلاحیت واستعدادهای خدا داد را بروی کار انداخته از هرلحظه زندگی شان استفاده می نمایند . اینگونه استفاده از وقت باید شیوه مسلمان میبود اما متأسفانه دیگران ازما سبقت وپیشی جستند .رسول گرامی اسلام میفرمایند: **الحكمة ضالة المؤمن** [9]، یعنی سخن دانش (متاع) گم شده مومن هست (همواره درتلاش آن میباشد) امروز کارهای مفید را که کفار انجام میدهند از روی حدیث مزبور ما باید از آنها استفاده نموده صفات خوب کفار را از آنِ خود میساختیم وتقلید میکردیم اما اولاً تقلید نکردیم ولی اگر تقلید کردیم تقلید کور کورانه ما در امور فحشاء ، بی حیائی ، ابتذال واستایل ها بوده .فکرکردیم در خوراک وپوشاک، آنها را پیروی میکنیم شاید ما هم درجهان درصفوف اقوام روشن خیال و متمدن شمرده خواهیم شد .خدا رحمت کند شاعرمشرق، اقبال لاهوری را درهمین مورد چه خوب وحکیمانه فرموده اند:

---

[8]-**(از ویب –پیام لارستان)**

- **رواه مسلم –باب نهی عن نشد الضالة**[9]

**قوت مـغرب نه ز چنگ و رُبـــاب** **نـــه ز رقص دختـــران بی حـجـــاب**
**نه ز بهرِ ساحران لالـه روسـت** **نه ز عُریان ساق و نه از قطع مُوست**
**محکـمی اورا نه از لادینی هست** **نه فـروغــش از خط لاتیـنی اســت**
**قـوت مغرب ازعلـم و فـــن است** **ا ز همـیـن آتش چراغش روشن است**
**حکمت ازقطع بُرید جامه نیـست** **مـــانع علم هنـــر عـمّامــه نیــست**
**علم وفن را ای جوان شوخ و شنگ** **مغز می بـاید نه ملـبوسِ فَـرَنـــگ**

- نتیجه همین احساس وقت هست که امروز بیشتر از 99 فیصد جاپانیها با زیور علم آراسته اند. تعجب است برمردم جاپان درظرف پنجاه سال اخیردر عرصه های صنعت ،تجارت ساینس وتکنالوژی پیشرفتهای نمودند که جلب توجه پیشرفته ترین کشورهای دنیا قرارگرفتند. راز این پیشرفتها چیست ؟ اتحاد وهم آهنگی، پادشاهِ صادق ومهربان ، عشق ومحبت والهانه با وطن ،استفاده از وقت وزحمت کشی شبانروزی مردم جاپان.

چمن لال هندی که سفری به کشور جاپان داشته و چند سال را درآنجا سپری نموده ، بعد از بازگشت به کشورش هندوستان، تأثرات مجموعی خویش را درمورد فرهنگ ،عنعنات ،نظام حکومت ، پیشرفت های اقتصادی ،سیاسی ،علمی واجتماعی جاپان را به رشته تحریر درآورده. نُبذی از اقتباسات کتاب وی را برای دلچسپی قارئین ذکر میکنیم .

**تعلیم وتربیه جاپانیها:**

**داکترنیتوبی (جاپانی)** درمورد تعلیم وتربیه جاپانی ها میگوید: جاپان مجموعه مکاتب هست بلکه خود جاپان یک مکتب هست یعنی از لحاظ علم وفن جاپان ،آتن (پایتخت یونان) ثانی هست – جاپانیها مانند یونانیان قدیم فطرتاً نهایت مستعد وچست وچالاک میباشند ، در ذهنیت آنها گنجایش هست وبرای قبولیت هرچیز آماده میباشند

.وشائق آموختن هرچیز جدید اند.این قوم ، علم را به گونه ی تلاش میکنند قسمیکه مرغابی درتلاش آب میباشد .

## درزبان جاپانی دشنام نیست

موصوف درمقامی از کتابش سخنی عجیب وشگفت انگیزی که مینویسد این است که اومیگوید: «وقتی آگاه شدم که در زبان جاپانی دشنام اصلا وجود ندارد سخت متحیر شدم درحالیکه هیچ زبان دنیا از این (دشنام) مبرا نیست ،بزرگترین دشنام جاپانی ها لفظ احمق است که در زبان جاپانی به آن( **با کـا** )گفته میشود. مزید میفرماید :شما درجاپان هیچگاه کنار جاده ها ویا میان افراد خانواده های جاپانی گفتگوی زشت ، جنگ وجدال ودشنام واستعمال الفاظ بیهوده وبازاری را نخواهید شنید درحالیکه درجاپان پنجصد ادیان ومذاهب وجود دارند ودر یک خانواده یک فرد مسیحی دومی بودایی ودیگری قایل به مذهب دلخواه خود است اما هیچگاه میان آنها مباحث دینی ویا بحثهای احساساتی که بلاخره منجر به جنگ وجدال میگردند صورت نمیگیرد.چون اینگونه الفاظ اصلاً وجود ندارند ،وقت والدین از اطفال شان اظهار خفگان میکنند به آنها میگویند : (**آیا تو جاپانی نیستی که چنین میکنی(کار بیهوده انجام میدهی) ؟؟؟!!!!**) وهمین گفته برای شرمنده ساختن طفل کافی میباشد.چون به خود داری وعزت نفس که یک طفل جاپانی دارد صدمه میرسد(وکوشش میکند کاری نکند که مورد اعتراض دیگران قرارگیرد).»

**احساس وطن دوستی جاپانیها**

## جسدم را فدای وطن کنید:

شخصی سی ساله جاپانی بنام (تتابی) درجرم قتل یک دریور تکسی دستگیر و به اعدام محکوم میگردد. تتابی درمحبس (اچی گایا) به پدرش وصیت میکند که :جسدم را به شفاخانه پوهنتون بفروشید پولی که از آن بدست بیاورید اورا به اردوی ملی

جاپان هدیه کنید.(وگفت) در آخرین لحظات زندگیم بیشتر از این چه خدمتی (به وطن) انجام داده میتوانم ؟بجز این که در سرمایه مالی اردوی ملی کشورم بافزایم. این است احساس وطن دوستی یک دزد و قاتل جاپانی درحالیکه بزرگترین سیاست مدار کشورما ازاین احساس محروم است.
[10]

## ازتاکِ نیاکان مَی نخوردیم:

ای کاش فرصتی برای مطالعه احوالِ اسلاف ونیاکان خود میداشتیم تا به این حقیقت پی میبردیم که آنانی که به معراج ترقی وپیشرفت های گوناگون نایل گردیدند ،الگوی آنها درحقیقت نیاکان ما بودند. ودرک میکردیم که ما به بت خانه های فرنگیان محتاج نیستیم ،اما داستان ها و حالات عبرت آموز نیاکان ما امروز زینت کتابها گردیدند. نیاکانِ که با اخلاق کریمانه وکردار وگفتار مخلصانه ی شان صدها سال رهنما ومقتدای انسانیت بودند و اقوام عالَم را از تاریکی های کفر به روشنی اسلام همکنار ساختند . بازهم اقبال لاهوریست که میگوید:

به افرنگی بُتان خود را سپـردی  چه نامــردانه دربتخانه مُــردی
خِرَد بیگانه ی دل،سینه بی سوز  کـه از تاكِ نیاکان مَی نخـوردی

## نیاکان ما و ارزش وقت :

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: **اغتنم خمسا قبل خمس شبابك قبل هرمك وصحتك قبل سُقمِك وغناءك قبل فقرِك وفراغك قبلَ شغلِك وحياتَك قبل موتِك**[11] **یعنی**

---

[10] - **مأخوذ از کتاب (راز پیشرفتهای حیرت انگیز قومی،اجتماعی وفرهنگی جاپان) بزبان اُردو - مولف چمن لال(هندی)**
[11] - **هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه(المستدرک للحاکم)**

**:**پنج چیز را قبل از پنج غنیمت بدان:جوانیت را قبل از پیریت،صحتت را قبل بیماریت،غنامندیت را قبل از فقرت وفراغتت را قبل از مصروفیتت وزندگیت را قبل از مرگت .

حضرت علی رضی الله عنه میفرمودند:**الایّام صحائِفْ اَعمارِکُم فَخَلِّدُوهَا صالحَ اعمالِکُم** یعنی: روزهای (زندگی) صحیفه های عمرهای شماست بااعمال صالحه آنها را دوام بخشید.

**حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه** میفرمودند: **ما ندمت على شيء ندمي على يوم غربت شمسه، نقص فيه أجلي، ولم يزد فيه عملي.**[12]

من بر آن روز بیشتر ازهیچ چیزی دیگر نادم نمیباشم در روزیکه أفتاب غروب کند از زندگیم کاسته شود و در عمل( صالحم) اضافه نشود.

حضرت حسن بصری رحمه الله فرمودند: **یاابنَ آدم إنّما انت ایّامک اذا ذهب یومٌ ذهب بعضُک. یعنی:**ای اولاد آدم**!** تو خودت مجموعه روزهای زندگیت هستی، با رفتن هر روز توهم (رفته رفته )کم میگردی. نیزمیفرمودند: **من کان یومه کامسه فهومغبون ومن کان یومه شرّا من امسه فهوملعون.** یعنی کسی که امروزش مثل دیروز بود(بهتری درامروزش نیاورد) درخساره است وکسی که امروزش بدتر از دیروز بود (یوم الابتربود) پس او ملعون(رانده درگاه الله است)

**و عَنْ الحسن البصری قَالَ: " إِنَّ مِنْ عَلَامَةِ إِعْرَاضِ اللَّهِ عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَشْغَلَهُ بِمَا لَا يَعنیه"**يعني**:**نشانه اعراض خداوند (ناراض بودن الله) از بنده اش اینست که اورا درکار های مشغول میسازد که به اوفایده ی نمی رساند.

**علّامه ابن رُشد** درتمام زندگی علمی شان فقط دوشب مطالعه نکردند شب عروسی وشب وفات.

حضرت عمربن عبدالعزیزمیفرمودند: **إنّ الَّلیْلْ والنَّهارَ یَعْمَلَانِ فِیْکَ فَاعْمَلْ فِیْهِمَا**[13]

---

[12] **ـ قيمة الزمن عندالعلمأء**

[13] ـ **قيمة الزمن عندالعلمآء للشيخ عبدالفتاح ابوغده.**

اکابرین سلَف درمورد وقت بی نهایت محتاط بودند،آنها با همت ، عزم و اراده راسخ وقویٔ که داشتند از طول وعرض وقت استفاده نمودند به هیچ چیزی دنیا آنقدر متاسف ومحزون نمیگردیدند بحدیکه به ضیاع وقت .

**حضرت داود طائی** بجای جویدن نان ، نان را درشوربا ریزه کرده می بلعید ومیفرمودند: **بين سف الفتيت وأكل الخبز قراءة خمسين أية.**

درجویدن وبلعیدن (تفاوت است چون ) وقت غذا را میبلعم وقت تلاوت پنجاه آیت قرآن کریم برایم میسر میگردد.

**علّامه عثمان باقلاوی** رحمه الله همواره در ذکر مصروف میبودند و میفرمودند: **إني وقت الإفطار أحس بروحي كأنها تخرج! لأجل اشتغالي بالأكل عن الذكر**.یعني: چون در وقت غذا خوردن ذکرمشکل هست فکرمیکنم روح از جسمم جدا میگردد

[14]علامه ابن حجرعسقلانی در تصنیف لطیفش "الدُرَرُ الکامنه....."درمورد عالم وفقیه مشهورِمذهب شافعی **علامه شمس الدین اصبهانی** مینگارند که : اومی گفت: بخاطرِ غذا کم صرف میکنم ، تا به قضای حاجت ضرورت کم بیفتد.چون درصورت پُرخوری باربار به قضای حاجت رفته وقت ضایع میگردد. حافظ ابن عساکر در "تبيينُ كَذِبِ المُفترِی" درباره عالم معروف قرن پنجم هجری **علامه سلیم رازی** رقمطراز اند که :حین نوشتن، وقت قلم نَی آنها با نوشتن می سائید وبا کارد در قطع وبُرید قط قلم مصروف میگردیدند فوراً ذکرالله را شروع میکردند تا باشد وقت ترمیم قلم هم ضایع نگردد.

**ابو ریحان البیرونی :** با نام این ریاضی دان ،فلسفی،ساینس دان وادیب شهره آفاق، کی آشنا نیست؟!! بسبب وسعت علمیٔ که داشتند، اهل هُنود(هندوها) به ایشان لقب "وُدَيَّا ساگر"(بحرعلم) را داده بودند .علامه یاقوت حموی در معجم الأُدباء (ج17ص181-182)در باره علامه موصوف واقعه را ذکر کرده اند که : در مرض الوفات البیرونی، ابوالحسن علی بن عیسی به عیادت شان آمدند، ابوریحان البیرونی

---

[14] -**(قيمة الزمن عندالعلمآء)**

در حالت نزع اند ، وقت علی بن عیسی را می بینند از ایشان میپرسند : شما یکبار مسئله میراث جدات فاسده (مادرکلانهای مادری) را برایم چگونه بیان کرده بودید؟؟(یعنی دوباره برایم بگویید) علی بن عیسی در جواب فرمودند: در این شدت تکلیف حتمی هست تا این مسئله را برایتان بگویم ؟ شیدا وعاشق علم البیرونی رحمه الله درجواب فرمود :اگر با دانستن این مسئله از این دنیای فانی بروم بهتر از این نیست که بی خبر از این مسئله (میراث) بمیرم؟؟؟!!!.(ابن عیسی میگویند) چنانچه درهمان حالت نزع وشدت تکلیفِ شان مسئله را بیان کردم و خداحافظی نموده از خانه البیرونی خارج شدم، در راه بودم که آواز گریه خانواده اش به گوشم رسید، فهمیدم که وفات نمودند .

**امام ابویوسف:**

امام ابویوسف یکی از شاگردان معروف امام ابوحنیفه رحمه الله پسرش وفات میکند تکفین وتدفین پسرش رابه همسایه گان وخویشاوندانش می سپارد وخودش به درس استاذش امام ابوحنیفه رحمه الله حاضرمیگردد از ترس اینکه مبادا درس استاذش را فوت کند وتمام عمر برضیاع درس استاذحسرت کند. **روى محمد بن قدامة، قال: سمعت شجاع بن مَخْلَد، قال: سمعت أبا يوسف يقول: مات ابن لي، فلم أحضر جهازه ولا دفنه، وتركته على جيراني وأقربائي، مخافة أن يفوتني من أبي حنيفة شيء لا تذهب حسرته عني.**

**امام محمد بن حسن شیبانی:**

امام محمد بن حسن شیبانی یکی از شاگردان دیگر امام ابوحنیفه رحمه الله بحدی پابند وقت وشیدای علم بود که شب نمیخوابید وبه دورش کتابها را گذاشته مطالعه میکرد وقت از مطالعه یک کتاب خسته میگردد کتاب دیگری را مطالعه میکرد. وخوابش را با آب زائل میکردومیگفت: خواب از حرارت (بدن)است. **لا ينام الليل، وكان يضع عنده دفاتر - يعني كتبا -، فإذا مل من نوع نظر في آخر، وكان يزيل نومه بالماء ويقول: إن النوم من الحرارة**

**محمدبن سلام البیکندی:**

علامه بدرالدین عینی رحمه الله مصنف عمدة القاری شرح صحیح بخاری واقعه محمد بن سلام بیکندی را مینویسند که: محمد بن سلام در درس املای استاذش نشسته بودکه قلمش شکست فورا صدا زد:**قلم بدینار، فتطایرت إلیه الأقلام.** قلمی به یک دینار میخواهم از هرطرف قلمها پیش کرده شدند . محمد بن سلام یک قلم را به یک دینار بخاطر درآن لحظه خرید که نمیخواست وقت باارزش که درآن درس را از زبان استاذش مینویسد را ترک ویا ضایع کند وهذا محمد بن سلام البیکندی شیخ البخاری .[15]

**ابن تیمیه** *رحمه الله تعالی*: آنچه ازمواد تصنیفش را که دریک روز مینوشت کاتب او نوشته یک روزه شیخ ابن تیمیه رحمه الله را دریک هفته نقل میکرد [16]

**تصنیفات مصنفین مسلمان:**

واین نتیجه استفاده درست از سرمایه وقت بود که مصنفین مسلمان درزندگی مختصرشان کارهای نمایان انجام دادند طبق فرموده ابن جوزی رحمه الله ابن عقیل رحمه الله در علوم وفنون مختلف، کتب ارزشمند نگاشتند وتنها یک کتاب شان بنام (**الفُنُون**) مشتمل بر هشت صد۸۰۰ جلد بود وگفته میشود که دردنیا تاحال(زمان مصنف کتاب) کسی به این حد کتاب بزرگی نه نوشته [17] علّامه ابن جریر طبری رحمه الله در زندگی شان سیصدوپنجاه وهفت هزار۳۵۷۰۰۰صفحات (درعلوم مختلف) نوشتند، علّامه باقِلانی رحمه الله تنها در رد برفرقه معتزله هفتاد

---

15-قیمة الزمن عندالعلمآء.

16- وقال ابن القیّم عن شیخه: "وقد شاهدت من قوة شیخ الإسلام ابن تیمیة في سننه وکلامه وإقدامه وکتابته أمراً عجیبًا، فکان یکتب في الیوم من التصنیف ما یکتبه الناسخ في جمعة"، وقال الذهبي: "إن تصانیفه تبلغ خمس مائة مجلّدة"، قیمة الوقت في حیاة المسلم(لفضیلة الشیخ : صالح آل طالب)

17 - **قال الحافظ الذّهبی فی تاریخه: لم یُصنّف فی الدنیا اکبرُمِن هذاالکتاب(ذیل طبقات الحنابلة)**

هزار۷۰۰۰۰صفحات نوشتند ،امام غزالی ۷۸کتاب نوشتند که میان آنها تنها کتاب "یاقوت التاویل"در۴۰مجلدات هست.

با بُراده قلمهای که تنها احادیث را بر آنها نوشته بودند آب غسل علامه ابن الجوزی رحمه الله گرم گردید **ونقل القمي في (الكنى والألقاب) ((أن براية أقلام ابن الجوزي التي كتب بها الحديث، جمعت فحصل منها شيء كثير، وأوصى أن يسخن بها الماء الذي يغسل به بعد موته، ففعل ذلك، فكفت وفضل منها)**. ،درتصانیف فلسفی وطبیب معروف ابن سینا: "الحاصل والمحصول" بالغ به ۲۰جلد ،"الانصاف ۲۰جلد "الشفا"۱۸جلد،لسان العرب۱۰[18]جلد ودیگر چندین تصانیف ارزنده بجاگذاشتند.

محدث معروف قرن نهم علامه ابن حجرعسقلانی شافعی رحمه الله شرح مشهور بخاری شریف "فتح الباری در۱۴جلد و"تهذیب التهذیب"۱۲جلد،"الاصابه..."۹جلد ،لسان المیزان در۴جلد "التغلیق التعلیق"در۵جلد با شهرت آفاقی مورداستفاده علمای کرام قرارگرفته اند.[19]

این تصانیف در زمانی نگاشته شده اند که نه اینگونه سهولیات جدید تکنالوژی میسربود ونه قلمهای روان دوان امروز مهیا بودند ،باقلمهای نَی که بعد از نوشتن یک لفظ محتاج سیاهی تازه میبودند وهمواره محتاج قطع وبُرید قط قلم بودند،ودرتاریکی شب با روشنی نیم جانِ چراغ وحتی این روشنی نیم جان چراغها نیز به هرکس میسر نبود. اما این رهروان خدامست سفرعلم ، شبها نزد مشعلهای قلعه های شاهی رفته در روشنی مشعلهای که بر دیوارهای قصرهای شاهان نصب بودند مطالعه میکردند . با این همه مشکلات وسختیها تصانیفی زنده وجاوید بجا گذاشتند که امروز برای پسمانده گان ناخلف همچو مایان حیثیت ماخذ را دارند وهمه ما خوشه چین از گلستان شاداب آنهاهستیم .

**خدمات نیاکان ما درعرصه های ساینس وتکنالوژی:**

---

[18] - **کتاب دیگری بنام لسان العرب درلغت از محمد بن مكرم بن منظور الأفريقي المصري نیز است.**

- **ماخوذ از (متاع وقت وکاروان علم –ابن الحسن عباسی دامت برکاته)**[19]

واین پیشرفتها تنها پیشرفتهای مُلایی(قرآن،حدیث ،فقه....) نبوده که امروز روشن فکران ما به آنها به دیده حقارت مینگرند بلکه در میدان ساینس وتکنالوژی نیز آثار، اصول واساسات رابجا گذاشتند که دراین دور ازهمان اصول واساسات ارزنده ی مسلمانان، کفار استفاده مینمایند .

- بر صاحب نظران پوشیده نیست که اولین ساعت اتومات در زمان هارون الرشید ازطرف مسلمانان ساخته و به امپراتور فرانسه بنام (شارلمان) بطور هدیه فرستاده شد. وقت ثانیه گر ساعت را دیدند که خودبخود میچرخد سپاهیان شارلمان باهم گفتند که این ثانیه گر را جنات میچرخانند.

- وقت در آندلس(هسپانیه) مسلمانان حاکم بودند یک تن از ساینس دانان مسلمان در یکی از چوکهای شهر دوازده رأس اسپهای مصنوعی را درمیان چوک طوری ساخته ونصب کرده بود که با گذشتن یک ساعت، از دهن اسپ آب فواره میکرد مثلاً:ساعت دوازده بجه از دهن دوازده اسپ، آب فواره میکرد وساعت یک بجه از دهن یک اسپ وساعت دوبجه از دهن دو اسپ وعلی هذاالقیاس....گویا این یک گونه ساعت بود که باشنده گان شهر از او استفاده میکردند، اما وقت از اختلافات باهمی مسلمانان، مسیحیان استفاده نموده بر هسپانیه چیره شدند . یکی از مهندسان مسیحی خواست بداند که چه گونه ساینس دان ومهندس مسلمان این کار را انجام داده ؟هرچه کوشش کرد موفق به دانستن تخنیک وسیستم کاری ساینس دان مسلمان نشد بلاخره درهمین جستجو آن سیستم را خراب کرد و غیرفعال گردید.

امروز هم چشمی ساینس دانان مغرب با آفتاب ومهتاب بر اساس نظریات وتیوری های علمای اسلام اند.

چنانچه اصول چهارگانه ساینس دان پولندی بنام (کوپرنیکس) درمورد هیئت جدیده (نظام شمسی و علم نجوم) که امروز همه ماهرین علم ستاره شناسی وغیره بر آن اتفاق نظر دارند.ومیگویند که موجد این نظریات کوپرنیکس است.درحالیکه این گفته آنها دلالت بر تعصب دیرینه آنها دارد.چون درحقیقت این نظریات چهارگانه را بار اول عالم مشهور وماهر علم هیئت قرن دهم (1087) **علامه ابواسحق ابراهیم زرقالی**

**اَندلسی قُرطَبی** رحمہ اللہ در رد بر نظریات بطلیموس پیش کرد.تفصیل آن از این قرار هست که:ماهرین وفلاسفه قدیم یونان به این نظربودند که:

1- زمین ساکن است حرکت نمیکند وآفتاب(فلک الشمس) باحرکت ذاتی خویش به دور زمین بطرف مشرق گردش میکند واین گردش آفتاب که در یک سال تکمیل میگردد بسبب همین گردش چهارفصل بوجود میآیند.

2- فلاسفه هیئت قدیم به این نظر بودند که آفتاب وتمام ستاره وسیاره ها با آسمان قسمِ چسپیده اند مثلیکه میخ در دیوار کوبیده وچسپیده میباشد.

3- نیز آنها به این نظربودند که بجز از فلک الافلاک، دیگرتمام آسمانها به دَور زمین بجانب مشرق درگردش وحرکت اند اما فلک الافلاک بجانب مغرب درظرف 24ساعت یک دَورش را تکمیل نموده واز همین حرکت فلک افلاک شب وروز بوجود میآیند..

4- آنها به این عقیده بودند که این آسمانها که عبارت از اجسام بزرگی اند وبر تمام کاینات ارضی محیط اند نیز به دور زمین درحال حرکت اند.

اما بار اول عالم وماهر علم نجوم علامه ابواسحاق ابراهیم زرقالی بر این نظریات چهارگانه فلاسفه یونان رد نموده فرمودند .

1-زمین به دور آفتاب درحال گردش است واین حرکت یک سال را دربرمیگیرد واز همین حرکت فصول چهارگانه بوجود میآیند.

2- تمام سیارات،ستاره گان و مهتاب بدون کدام تکیه واستناد در فضا معلق اند.

3- مرکزنظام شمسی آفتاب است ،چون زمین مانند دیگرسیارات (عطارد،زهره وغیره)یک سیاره هست و تمام این سیارات به دورمرکزخویش(آفتاب) گردش میکنند.واز حرکت آنها در24ساعت شب روز بوجود میآیند.

4-ونظریه چهارم آنها که گردش آسمانهاست را نیز ردفرمود.[20]

---

[20] -**الهیئة الوسطی-لشیخ محمّد موسی خان البازی،صہ 20 -21**

اصول چهارگانه که به کوپرنیکس نسبت داده میشود درحقیقت اقوال وتحقیقات عالم مسلمان اند .چون خود کوپرنیکس درکتابهای خود اقرار کرده که این نظریات وتیوری ها را از کُتب ابواسحق ابراهیم اخذ نمودم .اما تعصب اهل مغرب به این حد است که اصلاً دوست ندارند که کاوش و تحقیقی بنام مسلمان در دنیا شهرت یابد.

**ابوحاتم مظفراسفرازی رحمه الله** ریاضی دان ، ستاره شناس و ماهر بلند پایه طبیعیات بود، وی درمورد معادن مختلف تجربات کار آمد را انجام داد و برای وزن نمودن معادن مختلف از قبیل طلا ،نقره وغیره ترازوی را ایجاد نمود که به کمک آن میتوانست خالص وغیرخالص بودن معادن را تفریق نماید وبرای وزن نمودن اشیای نهایت کم وزن وکوچک وزن های اوقیه (اونس) ودرهم(درام) را رواج بخشید که همین اوزان دراین دور پیشرفته نیزبرحال خود باقی گذاشته شدند واهل مغرب امروز هم از آن استفاده میکنند درتمامی شرکتهای دواسازی دنیا خصوصا در اروپا بکثرت در وزن ادویه جات از این دو وزن استفاده میشود وحتی بدون این دو وزن کارهای وزن ادویه را پیش برده نمیتوانند.

**علاّمه ابوالوفاء محمداحمد بوزجانی رحمه الله (940ء)** ریاضی دان معروف مسلمان علاوه بر اینکه چند فورمول های جدید در ریاضی وهندسه را با دلایل ایجاد وثابت نمود درمورد کشش آفتاب واینکه مهتاب بر گرد زمین میچرخد انکشاف نمود وفرمود: که بر اثر کشش آفتاب، در حرکت که مهتاب در گرد زمین دارد خلل واقع میگردد. این نظریه علامه بوزجانی را درقرن شانزدهم ماهر علم هیئت بنام (تائی کوبرایی) تصدیق وتائید میکند ودرعلم هیئت نظریه علامه بوزجانی را یک پیشرفت بزرگ قرار میدهد. اما حسب عادت اهل مغرب که به هیچ صورت حاضر نیستند که این نظریه بنام مسلمان شهرت یابد وبازهم این اعزاز را به تائی کوبرایی میدهند.

**علامه ابوالقاسم زهراوی اَندلسی** *رحمه الله* بود که طبیبان اروپایی را با فن جراحت آشنا ساخت وبا تجربات مختلف خویش مشکلترین ونازکترین عملیات های جراحی

را انجام داد تحت سرپرستی خویش آلات جدید جراحی را ایجاد نمود علامه موصوف درفن جراحی کتاب شهره آفاق ویگانه روزگار را بنام تصریف (Tasreef) تصنیف نمود این اولین کتاب هست که درعلم طب درفن جراحت نگاشته شده وقرنها درپوهنتونهای اروپا تدریس میگردید.تمام مصنفین قرن هژدهم که درفن جراحی کتب نوشته اند در تصانیف شان جابجا از کتاب (تصریف) علامه زهراوی یاد نموده وبه قابلیت موصوف معترف بنظر میرسند.درسنه 1881ء داکتر فرانسوی کتاب (تصریف) را درفن جراحت یک کتاب شاهکار قرار داد .نه صرف این که اروپائیان این کتاب را بزبانهای خود ترجمه کردند بلکه چندین شروح این کتاب رانیز نوشتند

و**علامه عبدالولید محمد بن رُشد رحمه الله** بود که چندین نظریات ارسطو را تصحیح و ابهامات وی را دور ساخت،ابن رشد خلافت راشده را یک جمهوریت بی مثال قرار داد وهمین جمهوریت تعبیر خواب افلاطون بود.

بسبب شروحات که ابن رشد برکتابهای ارسطو نوشت اهل مغرب توانستند مقام وقدر ومنزلت ارسطو را بدانند.وبه همین علت است که مفکرین مغرب از ابن رشد رحمه الله بی نهایت متأثر بنظرمیرسند.وتاحال در دانشگاهای پاریس ودیگر دانشگاهای اروپا کتب علامه ابن رشد شامل نصاب تعلیمی آنها اند. اما افسوس که براثر درندگی ،بغض وعداوت دیرینه مسیحیان تعداد کثیرکتب ارزشمند ابن رشد رحمه الله حریق گردیده ضایع شدند .این مسلمان فلسفی ،طبیب حاذق ، ستاره شناس مُسلَم تقریبا 20 کتب درفن طب نوشتند ومیان آنها کتاب شهره آفاق (الکلیات فی الطب) درهفت مجلدات هست و بنام (کولجت) در زبان لاطینی ترجمه گردیده . ونهایت مشهور است. کتاب دیگری بنام (الکلیات فی القلب)نوشتند که از شهرت کافی برخوردار است، بار اول ابن رشد رحمه الله بدون کدام دوربین وغیره این نظریه را پیش کرد که بر آفتاب داغهای وجود دارند.پروفیسور معروف فرانسوی (رسیان) میفرمایند: درفرانسه وجرمنی پروفیسوران پیرو ابن رشد اند وخود را به ابن رشد منسوب میکنند. الفرید گیلا درکتابش مینویسد: آنانیکه مفکرین اسلامی را نادرخیال میکنند و

به آنها طعنه انحطاط فکری میدهند،آنها اصلاً کتابهای ابن رشد وامام غزالی را مطالعه نکرده اند بلکه برسخنان مردم عامی در حق مفکرین مسلمان رای قایم کرده اند.

بهرکیف چند واقعات را از اکابرین بطورمثال ذکر نمودم ورنه اگر درمورد خدمات ساینسی اکابرین امت مسلمه نگاشته شود بدون شک کتابی ضخیمی دراین مورد تهیه خواهد گردید.در ذیل اسمای گرامی چند تن از ساینسدانان مسلمان را که از نظریات وتیورهای آنها کفار خوشه چینی کرده اند بطور مثال ذکر میکنم . تا حداقل این مفکوره که هر اختراع وایجاد از اهل مغرب هست وما محتاج به آنها هستیم از اذهان ما دور شود وبدانیم که اهل مغرب از ما آموخته اند .

1- شیخ حسین عبدالله بن بوعلی سینا المعروف به (ابن سینا)

2- ابوریحان البیرونی .

3- محمد بن جابر البانی.

4- جابربن حیان(مخترع تیزابهای مختلف).

5- حجاج بن یوسف مطر.

6- ابوالفتح عمربن ابراهیم خَیَّام المعروف به (عمرخیام)

7- عبدالرحمن ابن خلدون(نویسنده تاریخ).

8- ابوبکرمحمدبن زکریا الرازی .

9- عبدالولید محمدبن رُشد المعروف به (ابن رشد).

10-ابوالقاسم زهراوی.

علاوه برآن ساینسدانان وفلسفیان معروف مسلمان مانند شمس الدین مَقدسی،احمد بن محمد طَبَری،نصیرالدین طوسی،فضل بخت،عُرَیب بن سحرالکاتب قُرطبی،ابویوسف یعقوب بن اسحاق کِندی، کمال الدین الفاسی،ابوالحسن مسعودی،ابن الهَیثم .........

هریک از اینها بجای خود مکاتب ساینس وتکنالوژی بودند که در میدان ساینس وتکنالوژی کارهای نمایان انجام داده اند.[21]

**اولئك آبايى فجئنى بمثلهم - اذا جمعتنا ياجرير المجامع**

یعنی:اینها اند آباو اجداد من اند پس ای جریر!توهم وقت برایم مجموعه افتخارات را جمع کنی ( مثل آباو اجدادم ) را پیش کن.

**هَیهَاتَ لَایَاتِی الزمانُ بمثلِهِم  إِنَّ الزّمانَ بمثلهِم لَبَخیلُ**

یعنی : بعید است که زمانه مثل آنها (افرادیگانه روزگار) بیاورد( پیدا کند) ، بدون شک زمانه در آوردن چنین افراد بخیل هست .

از تمام واقعات مزبور بخوبی واضح میگردد که استفاده درست از وقت را اسلاف ونیاکان ما بطور الگو به دیگران بجا گذاشتند . اما با تأسف باید گفت: که امروز ما اوقات عزیز زندگی را با چه بی رحمی ضایع میکنیم .

**پنج دقیقه قبل ازغذا(Five Minute Before Meal)**

طی یک تحقیق وتجزیه که در کشورهای عربی` صورت گرفته جوانان عرب تابیست سالگی بیست هزار ساعت را فدای تماشای تلویزیون بینی میکنند و بقول ماهرین تعلیم یک شخص باصرف نمودن ده هزار ساعت در هر فن ورشته که بخواهد متخصص در آن رشته شده میتواند.

اما برعکس یک مصنف جرمنی هر روزپنج دقیقه که در آن غذا بر میزچیده میشد را در نوشتن کتاب صرف نموده کتابی ضخیم نوشت ونام کتاب را گذاشت.

(Five Minute Before Meal) یعنی پنج دقیقه قبل از غذا.[22]

---

[21] - تمام این معلومات درمورد ساینس دانان مسلمان از کتاب (ساینسدانان ممتاز مسلمان-اردو) تصنیف سیدمجیب الدین ماخوذند.

[22] - مجله (الدفاع)-شماره -۱۱۸ماه ذی الحجه سنه ۱۴۲۰هج

بجز از حسرت وافسوس برحال مسلمان این زمان چه باید کرد به آنانیکه ما الگوبودیم امروز ما پیرو ومقلد کور کورانه درابتذال وبی راه روی ازآنها شدیم .

**منی که نام شراب از کتاب می شستم – زمانه کاتب دوکان مَیٔ فروشم کرد.**

**چگونه از وقت استفاده نمائیم ؟**

سِر و راز کامیابی انسانهای کامران ورستگار،بیداریی احساس است . انسان با احساس برای مقاصد واهداف زندگی میکند، برای رسیدن به یک هدف درحرکت میباشد او سعی میورزد تا از لحظات با ارزش زندگی استفاده درست نماید. وبخاطر رسیدن به هدف اوقات روزمره خویش را تحت پلان منظم طرح ریزی مینماید،او میداند که صبح وقت از خواب برخیزد ، چه وقت نمازبخواند، چه وقت ورزش کند،چند بجه مکتب ودانشگاه ،دفتر ودوکان برود ،چه کارهای اند که امروز باید انجامش دهد،چند ساعت بخوابد وتفریح نماید.خلاصه اینکه زندگی روزمره آنانیکه طبق برنامه وبا نظم خاص طرح ریزی میگردد آنها بهترین صارفین وقت اند وبدون شک وشبه به توفیق الهی در زندگی شان به مقاصدعالی و آرمانهای عُلیای خود نایل میگردند. اما آنانیکه منتظر فردا اند ومیخواهند بدون زحمت نایل به راحت گردند ،بدون گذشت از تاریکیهای شب هجران به سپیده دم وصل دلبران برسند .پس این خیالست ومحالست وجنون چون "فردای"که آنان منتظرشان اند مثل آنها هزاران را راهی دارفنا ساختند.

ترسم کـــــه به کعبه نرسی اَی اَعـرابی

این راه که تو میروی به ترکستان است .

**هرشبی گویم که فردا ترک این سودا کنم:**

مُهلک ترین لفظ ،لفظ «فردا» است، تمام غفلتها ،فریب ، بی کفایتی،کسالتها ونامرادیها، زاده همین لفظ اند. امروز جوانانیکه درچوکها وکنار جاده ها برای مزدوری منتظر بنظرمیرسند ازطفیل همین "فردا" هست که فردای آنها فرا نرسید اما بلآخره آنانرا کنار جاده ها وچوکها کشاند. جوانی عمریست که انسان متوجه مسئولیتهایش میگردد دراین مقطع حساس زمانی اگر متوجه مسئولیت های خویش نگردیم از سپیده دم روشن امیدها و آرمانها به دُور، در ظلمت وتاریکیهای جهل وناامیدی خواهیم افتید.وهمین وقت وزمانیست که شیاطین جِنی واِنسی با شمشیر "فردا" حمله میکنند.وهرجوان که قوت حمله آن را با سِپَر مستحکم عقل ودانش دفاع نکند با زخمهای ناامیدی وحسرت راهئ دارالبقا خواهدگردید.اکثر دیده شده اگرگاهی پدرومادرنصیحت کنند ویا بعض استادانی با احساس ومخلص اهمیت تعلیم را بیان کرده وبه استفاده از وقت ترغیب دهند، جوانان احساساتی شده نزد خود عزم و اراده میکنند ومیگویند: سر ازفردا میخوانیم، اگر در مکاتب ودانشگاه اعلان تاریخ امتحانات شود ، میان دانش آموزان مشوره ها صورت میگیرند که "از فردا " آماده گی را آغاز میکنیم . وعلی هذا القیاس در آموختن حرفه وپیشه، امروز را فردا ساخته اوقات بیش بهای زندگی وفرصت ایام را از دست میدهند و وقت فردایشان امروز شده امروز را دوباره فردا میسازند ورفته رفته وقتی از خواب غفلت برمیخیزند .بجز از حیف وحسرت چیزی در دست داشته نمیباشند.

**هرشبــی گویم کــه فردا ترکِ این سودا کنم**
**بــاز چون فـردا شود امـروز را فـردا کـنم**

درفرهنگ دانایان لفظ فردا اصلاً وجود ندارد.از ابومسلم خراسانی پرسیدند چگونه به این مقام رسیدی؟ گفت:کارامروز را به فردا نینداختم.

ابوعثمان مغربی از دست دادن فرصت را با مثال خوبی بیان کرده میگوید:از دست دادن وقت وفرصت بدان ماند که کسی گوید: این درخت را برکن .هرچه اندیشه کند

که برکَنَد ،نتواند ،گوید؛صبرکنم تا قوت یابم ،پس هرقدر صبرکند درخت قویترگردد و او ضعیف ترشود وکندن آن درخت  دشوارتر.کار که بروقت صورت گیرد نتایج خوب ومُثمری را درقبال دارد واگر کار امروز به فردا، پس فردا و هفته آینده ملتوی گردد وبال جان میگردد. وملتوی ساختن اکثراً به معنای ترک کردن میباشد.

**ماندم که خار از پا کشم محمل نهان شد از نظر**

**یک لحظه غافل بودم وصد ساله راهم دور شد**

**میخواهم از وقت استفاده درست نمایم اما....**

اکثریت مردم خصوصا جوانان اصلا اهمیت وقت را نادیده میگیرند ویا آگاه نیستند واگر بعضها احساس آنرا دارند میگویند :میخواهم از وقت استفاده درست نمایم اما نمیتوانم وپابندی نمیشود.

برادرعزیز ! اگر بخواهی میتوانی توهم انسانی مانند انسانهای دیگر هستی ، خداوند ترا عبث نیافریده تو دارای صلاحیت ها واستعداد های هستی که دیگران از آن بی بهره اند. آیا بارها بر صفحات رسانه ها دیده و نخوانده ای ؟!!که کور ولنگ ولال در فنون مختلف ریکاردهای جهانی قایم کرده اند ،هیکل ،جسامت ، نیروی فزیکی و فکریٔ تو بدرجه ها از جاپانی ها وچینایی ها بهتراست ، اما باعثِ بزرگی پس مانده گیت ،نبود استقامت ، بی نظمی درزنده گی روزمره و دوستان ناهنجاراند. اگر میخواهی در زندگیت کاری را انجام دهی دوستی ورفاقت را کم کن و دوستان مخلص تلاش کن شاعری چه خوب فرموده است:

**لِـقَآءُ النّاسِ لَیسَ یَفِیدُ شَیْئًا    سِوَی الْهِذْ یَانِ مِنْ قِیلٍ وَّقالِ**

**فَـاَقْلِلْ مِن لِّقَـاءِ النَّـــاسِ إلّا    لِکَسبِ العِلمِ اَو إصلَاحِ حَــالِ**

یعنی: ملاقات با مردم فایده ندارد ،بجز یاوه گویی قیل وقال - پس بجزاز تحصیل علم واصلاح وتربیه ،با مردم ملاقاتهایت را کم کن .

، با تدبیر ، حکمت ودور اندیشی به مرور زمان از دوستان بی بند و بار دوری اختیارکن مواظب اوقاتت باش که در انجام چه کارهای میگذرند؟ چون وقت نهایت قلیل وسفر طویل است . اگر انسان عزم و اراده بلند وراسخ داشته باشد بدون شبه به توفیق الهی نایل به هر آروزی خود شده میتواند ، ولی اگر نشسته هروقت به خود ستایی قوم وقبیله ات مصروف باشی ویا نمیخواهی بخاطر درس ومطالعه از دوستان کناره جویی کنی نمتوانی کاری انجام دهی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم میفرمایند: (**مَنْ بَطَّأَ بِهِ عَمَلُهُ ، لم يُسرِعْ بِهِ نَسَبُهُ** )یعني كسي را كه عملش سست (پس مانده ازمقام ومرتبه) کند حسَب ونسَبش اورا سریع (بلند مرتبه)ساخته نمیتواند[23]

هم دوستان وهم عیش فراوان و هم حصول علم وعرفان، نه هرگز امکان ندارد.شیخ سنایی غزنوی میفرماید:

**بـا دوقبله در رهِ توحید نتوان رفت راست**

**یــا رضای دوست باید یا هوای خویشتن**

**علتهای تضییع اوقات ونتایج آن :**

اگر ازشما سوال شود که هر روز 24ساعت و1440دقیقه که رایگان بدست میاورید در کجا وچه کارهای مصرف مینمایید ؟ درجواب آنعده افرادی که کاروبار و صاحب وظیفه اند شاید از خواب ، معمولات کاری ، وظیفه و اوقات کارو بار را یاد آورشوند که تقریبا 60 فیصد اوقات زندگی شانرا در بر میگیرد اما مشکل است در باره اوقات

---

[23] -(**رواهُ مسلمٌ**) .

باقیمانده جواب معقول داشته باشند چون میدانیم اکثرا اوقات باقیمانده ما در کارهای لهو ولعب وعبث میگذرند وآنانیکه کار ووظیفه مستقل ندارند مشکل است ثابت کنند که 50فیصد وقت شان را بجا مصرف نموده اند . وعلت این ضیاع وقت عبارت است از:

- نبود هدف وپلان منظم .

- نبود اراده وعزم قاطع.

-نبود برنامه های منظم برای رسیدن به اهداف .

گویا زندگی 24ساعته ما مانند مسافر بی منزلی میگذرد که در زندگی خویش نه برای خود وآینده خویش ونه برای آینده اولاد ، فامیل ونه کشورش برنامه دارد .پس ظاهر است که دراینصورت نه برای خود ونه برای فامیل ،خانواده وجامعه خویش مفید ثابت شده میتواند که در نتیجه افراد طفیلی(باردوش دیگران) به جامعه تقدیم میگردند که به گروه های مختلف تقسیم گردیده گروهی از ما دست به گدایی ویک جماعتی ازما بر سرچوکها ایستاده روز مزدوری میکنیم وبعض ما دست به دزدی ،راه زنی ،قتل وقتال میزنیم ووقت دیدیم که دیگر درکوچه وبازار نشست وبرخاست مامشکل هست به پولیس کشور رو میاوریم واز این طریق همان دزدان وقماربازان که باعث اذیت وآزار هموطنان خویش میگردیدند حالا از دریشی ویونیفورم دولتی سوء استفاده نموده مردم آزاری کرده پولیس را هم بدنام میسازند.

**چگونه میتوان از اوقات زندگی استفاده درست نمود؟**

دراین مورد اموری اند که باید در نظر داشت.

1- عزم واراده قوی .
2- هدف مشخص.
3- پلان منظم برای رسیدن به اهداف مطلوب.

عزم واراده قوی اولین شرط کامیابی هست بدون عزم نمیتوان در کارگاه زندگانی کارهای نمایان انجام داد وظاهرست که عزم واراده برای یک هدف میباشد وهدف بدون برنامه منظم پیش برده نمیشود.

کسب تعلیم هدف ماست ومیخواهیم تعلیم وتربیه حاصل نموده مصدرخدمت به جامعه گردیم .لذا باید برای کسب تعلیم عزم واراده آهنین داشته باشیم وبا پلان منظم وبا طرح برنامه ریزی نایل به اهداف خود گردیم .

گرچه برای استفاده درست از وقت اصول وضوابط زیادی درکتب دانشمندان ذکر گردیده اند اما مشتی نمونه ازخرواری به همین چند اقوال ،واقعات ونصائح پند آموزذیل اکتفا نمودم.

## فصل دوم

## آداب تعلیم

آداب جمع ادب هست وادب درلسان عربی به معانی مختلف استعمال گردیده

**ادب در لغت:** به معنای صاحب ادب است از همین لفظ ادیب میاید که جمع آنها أدبا است [24].وهمچنان به معنای آماده ساختن غذای دعوت ،وبه معنای دعوت دادن نیز استعمال گردیده وگاهی به معنای تعلیم دادن نیزآمده همچنان از ادب لفظی دیگری نیز ماخوذ است که به آن مأدُبه گفته ومأدبه به غذای گفته میشود که از جانب کسی

---

24 ـ **الأَدَبُ مُحَرَّكَةً : الذي يَتَأَدَّبُ به الأَديبُ من الناس سُمّيَ به لأَنه يَأْدِبُ الناسَ إلى المَحَامِدِ وَيَنْهَاهُم عن المَقَابِحِ وأَصلُ الأَدَبِ : الدُّعَاءُ: وفي المصباح : هو تَعَلُّم رِيَاضَةِ النَّفْسِ ومَحَاسِن الأَخْلاَقِ . (تاج العروس)**

برای مردم آمده گردد وبر اساس همین معنی قرآن کریم را مأدبه گفته شده چنانچه ازحضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت گردیده :**وعن ابن مسعود انه كان يقول فعليكم بهذا القرآن فانه مأدبة الله فمن استطاع منكم ان يأخذ من مأدبة الله فليفعل فانما العلم بالتعلم**.[25] یعنی : برشما لازم است (آموختن )این قرآن بیگمان قرآن پیام دعوت الهی است پس کسی ازشما استطاعت آموختن از دعوت الهی را دارد پس بیاموزد چون بلاشبه علم با آموختن حاصل میگردد.

**ادب در اصطلاح :** در تعریف اصطلاحی ادب نیز علمای کرام تعبیرات مختلفی دارند . علامه زبیدی در کتاب معروف لغت (تاج العروس ) میفرمایند : **الأَدَبُ مَلَكَةٌ تَعْصِمُ مَنْ قامت به عمَّا يَشِينُه** (. یعنی :ادب ملکه (استعدادی) هست که باهرکسی قایم گردد اورا از کارهای نا شایسته نجات میدهد .

ابوزید انصاری میفرمایند : **هوتعلم الرياضة محمودة يتخرج بها الانسان فى فضيلة من الفضائل.**[26] یعنی: ادب یک ریاضت خوبیست که توسط آن انسان با اوصاف خوب متصف میگردد.

**ادب وتقاضای آن:** رسول گرامی صلی الله علیه وسلم میفرمایند :**الدين كله ادب.** یعنی دین سراپا ادب هست از ادب خدا الی ادنی ترین انسان تقاضای ادب واحترام را دارد.

ادب پروردگار عالمیان این هست که چشم زدن از یاد وی غافل نباشیم .وبراحکام وی عمل کرد.

---

[25]- **رواه البزار في حديث طويل ورجاله موثقون . وفى مجمع الزوائد للهيثمى و المستدرک على الصحيحين. هذا حديث صحيح الإسناد و لم يخرجاه بصالح بن عمر.و رواه البيهقى فى شعب الايمان. فى مصنف ابن ابى شيبة :«إن هذا القرآن مأدبة من دخل فيه فهو آمن» .**

[26]- تاج العروس.

**یک چشم زدن غافل ازآن شاه نباشی – شاید که نگاهی کند آنگاه نباشی .**

چون یگانه راه نجات ما همین هست آنانیکه از یاد خدا غفلت میورزند گویا ترک ادب میکنند نیز آنانیکه تا حال آگاه نیستند که خالق کاینات برما چه حقوقی دارد از ادب الهی محروم اند.

وعلی هذا ادب به رسول الله این هست که آنچه از جانب الله وحی شده را عملی نماییم از تکالیف که رسول خدا صلی الله علیه وسلم بخاطر دین برداشت کرده بدانیم وذات رسول الله را الگوی خود قراردهیم ندانستن وبی خبربودند ازمصائب که رسول الله ص بخاطر دین برداشت نمودند ورسول خدا صلی الله علیه وسلم را الگوی خود ندانستن بی ادبی در شان رس ول الله ص هست.

به همین گونه قران کریم ، ودیگرشعایر دینی همه وهمه از یک مسلمان تقاضای ادب را دارند .

**حقیقت ادب:** اکابرین وبزرگان دین میفرمایند: تعظیم کردن کسی درحقیقت ادب نیست بلکه ادب نام دوم راحت رسانی هست وراحت رسانی سجده کردن وخم شدن نزد پیر واستاد را نمیگویند بلکه اخلاص واحترام قلبی که یک آموزنده باید برای شیخ ومربی واستادخود داشته باشد را گویند.

گفته میشود که :روزی یک بزرگ وشخص خدا رسیده نهایت مریض وجان درد بودند یکی ازمریدان ومعتقدانش نزدش میاید و بزرگ را درنهایت تکلیف میابد.بزرگ ازوی تقاضا میکند که بر جسمش پا گذاشته چاپی کنند اما مریدش انکار کرد واین کار را بی ادبی درحق شیخ خود

دانست وگفت حضرت ! من بر جسم شما پا بگذارم امکان ندارد چطور این حق را بخود بدهم که برجسم شما پا بگذارم ؟شیخ بار بار تقاضا کرد که جان دردم درتکلیفم با پاهایت چاپی ام کن تا راحت شوم اما مرید انکارکرد که درهمین لحظه شاگرد دیگری آمد وبزرگ از وی همین تقاضا را کرد وشاگرد دومی فورا به گفته شیخ عمل کرده با پاهایش او را چاپی کرد وشیخ راحت گردید شیخ به مرید اولی روگرداند وفرمود : که این برجسمم پا گذاشت ولی تو بر قلبم پاگذاشتی .خلاصه این که تعلق وارتباط بین استاد وشاگرد ویا شیخ ومربی یک تعلق پاکیزه وارتباط قلبی هست بسا اوقات شاگرد درمقابل استاد کاری میکند که باعث آزرده گی استاد میگردد .ویا کاری انجام میدهد که باعث سرور وراحت استاد میگردد.لذا مناسب خواهدبود که درذیل درمورد آداب تعلیم سخنانی داشته باشیم تا با عمل کرد بر آنها دانشجویان عزیزسعادت دنیا وآخرت را ازآن خود بگردانند.

**آداب متعلم درمورد حصول علم:**

درذیل آدابی ذکر میگردند که طلبای کرام و متعلمین قبل از آغازتعلیم وتحصیل باید انها را در نظرداشته باشند.

قبل از آغازتحصیل باید طالب علم ومحصل بداند که در راستای تحصیل علم نه تنها معلم ،مکتب ومدرسه بلکه پدر،مادر وبرادرحتی چوکیدار، پیاده وخاکروبه مکتب همه باو همکار وشریک اند چون پدرهست که شب وروزکارمیکند تکالیف ومشقتها برداشت کرده فیس مکتب ومصارف تعلیم را مهیا میسازد مادرست که با دعاها وشستن لباس وتهیه غذاهای دلخواه ما زحمت میکشد وهمچنان برادر است که هم در دروس وهم در همکاری با پدر مسئولیت های که باید بجا میاوردیم ودرقبال داریم

را بجامیاورد.چوکیدار مکتب وخاکروبه اند که شب از مکتب حفاظت ومکتب را صاف نگهمیدارند . لذا ضروریست که منحیث یک دانشجو این احساس را داشته باشیم که علمی که من حاصل میکنم رایگان وآنقدرسهل وآسان نیست بلکه در تحصیل آن افراد زیادی با من در حرکت اند واز من توقعاتی دارند که باید برآورده سازم.

**۱- قبل از تحصیل علم نیت خویش را خالص کند :**

ضروریست که قبل از آغاز علم نیت یک طالب علم و دانشجو درست باشد.چون دارومدار اعمال برنیت است قسمیکه درحدیث مبارکه آمده(**إنما الأعمال بالنيات**..........)[27] وعلمای کرام میفرمایند:**كَم مِن عملٍ يُتصورمن اعمالِ الدُنيا ويَصيرُمِنْ اعمالِ الآخرةِ،وكم من عملٍ يُتصوربصورةِاعمالِ الآخرةِ،ثُم يصيرمن اعمال الدنيا بسوءِالنيةِ**[28] یعنی بسیاری اعمال، دنیوی پنداشته میشوند اما بسبب حسن نیت عمل کننده به اعمال اخروی تبدیل میگردند وبسیاری اعمال ،اخروی تصورمیگردند اما بسبب بد نیتی به اعمال دنیوی تبدیل میگردند.لذا از تحصیل علم رضای الله ، خدمت به دین اسلام ،خدمت به مادروپدر ،وطن وخدمت به بشریت باشد.فقط اغراض وخواهشات نفسانی جاه وجلال عیش وعشرت مقصود نباشند پس تصحیح نیت نهایت ضروریست یکی از بزرگان وعالم معروف بنام سفیان ثوری رحمه الله میفرمایند:درهیچ امری آنقدر مشقت ندیدم بحدی که درتصحیح نیت دیدم (یعنی درست کردن نیت کاری مشکلی هست تنها بزبان گفتن که مقصدم رضای الله هست نیت درست نمیشود بلکه هرلحظه براعمال وکردار خودمراقب بودن کارمشکلی هست. چون تحصیل علم هم یک عبادت هست وهرعبادت وقت پرثمر وقابل عوض وپاداش شده میتواندکه برای الله باشد).

---

27-صحیح البخاری.
28-تعلیم المتعلم

**۲- برای تحصیل علم خود را فارغ نماید:**

برای تحصیل علم ، متعلم وطالب علم باید خود را فارغ البال سازد ویک حصه از عمرعزیزش (زمان متعلمی ومحصلی) را فدای تحصیل علم کند واز ضایع نمودن اوقات بیش بهای این زمانه جداً خود داری نماید واز تمامی امور که درتحصیل علم موانع ایجاد میکنند را دور سازد .در همین مورد دانای میگوید :علم را کسی حاصل کرده میتواند که دوکانش را مسدود وباغش را ویران وبا برادرانش قطع تعلق کند وبه جنازه خویشاوندان حاضر نشود (مقصد ازآن سفر برای تحصیل علم هست که وقت برای کسب علم سفرکند از همه این امورعاجز میماند) همچنان امام شافعی رحمه الله اهمیت زمان طلب علم را به این الفاظ بیان نموده اند: **لوكُلفت شِرآءَبَصَلَةٍ لما فهِمتُ مسألةً**[29] یعنی اگر مکلف به خرید یک کلچه پیاز میشدم پس یک مساله را هم نمی فهمیدم.

از تمام این سخنان بخوبی هویدا میگردد که علم نام یکسویی هست تا وقتیکه کاملا یکسو ووقت وافری به حصول علم ندهیم علم بشکل بهتر آن حاصل شده نمیتواند اگرچه درکشور عزیزقسمیکه باید زمینه برای حصول علم مساعد باشد نیست ویا برای آنانیکه زمینه مساعد هست استفاده نمیکنند اما من اکثر به شاگردان عزیزم یک جمله را بارها گفته ام ومیگویم که :**آنانیکه وقت دارند ونمیخوانند بدبخت اند ،مردانگی دراین هست که وقت نداشته باشید وبخوانید.**

**۳-دانشجو باید صبر وقناعت داشته باشد:**

طالب علم باید صبور وقانع باشد.ودرزمانه تحصیل درپی نعمت ها آسایش فراوان نباشد چون تجربه ثابت کرده که متعلمین که درناز ونِعَم زندگی کرده اند اکثریت شان در راستای تعلیم وتربیه درک وبصیرت علمی خوبی نداشته اند چون کثرت نعمت ها

---

[29]- تذکرة السامع والمتکلم فی ادب العالم والمتعلم صـ۳۶( لابي عبدالله بدرالدين محمدبن ابراهيم بن جماعـة الكناني ۶۳۹-۷۳۳)

باعث تفرق وتشتت افکار وخیالات میگردد وسد راه یکسویی واطمینان خاطر میگردد. از همین جاست که علمای کرام و ماهرین تعلیم نکاح وعروسی را در زمان تحصیل مناسب نمیدانند چون خانه داری و زندگی ازدواجی نیز سد راه درتعلیم قرار گرفته وبر زندگی تعلیمی تاثیر بسزای دارد. ودر همین مورد حضرت سفیان ثوری رحمه الله میفرمایند: **من تزوج فقد ركب البحر فإن ولد له ولد فقد كسر به.** يعني : کسیکه عروسي کرد سوار(کشتی )بحر شد(ووقت) صاحب طفل شد (آن کشتی ) هم شکست[30]

پس اگر درتناظر تجربات بنگریم عموما دیده شده که در گِرد وبر جوانان پولدار دوستان ومتعلمین بیشتر بنظر میرسند وتوجه خاصی به تعلیم وتعلم ندارند و اکثر وبیشتر درطرح ریزی پلان های سیروسیاحت وخوش عیشی مصروف بنظر میرسند نه خود شان درس میخوانند ونه دیگران را میگذارند درس بخوانند وعلت اساسی آن کثرت اسایش و وفور مال هست وقت پول وافر باشد اسباب خوش عیشی بیشتر میباشند ودر هر دور عموما ودر این زمانه خصوصا مردم پولدار دوستان زیادی داشته میباشند وظاهرست وقت دوستان بیشترباشند یکسوی وتوجه به مقاصد زندگی کمتر میگردد وشهزاده گان فامیلها درهمین خوش فهمی میباشند که مال ودولت همه چیز هست ویا تمام زندگی با ما خواهد بود.بی خبر از اینکه مال ومتاع هر چیز شده نمیتواند ونه هروقت بوده میتواند چون با پول قلم ،کتاب، کتابخانه واتاق لوکس مطالعه را آماده ساخته میتوانیم اما احساس خوب درس خواندن را خریداری کرده نمیتوانیم ، با مال ودولت درمکتب ومدرسه عالی وپیشترفته داخل شده میتوانیم اما استعداد خوب درس خواندن را خریده نمیتوانیم . بزور پول سند عالی داکتری وانجینیری و شرعیات را بدست آورده میتوانیم اما یک داکتر ، انجینیر وعالم لایق ومتقی شده نمیتوانیم . ودانای بجا فرموده : که مال و دولت به قسمت هست اما علم به زحمت .چون پدر میلیونر میباشد میمیرد و پسر بدون کدام زحمت وتکلیف مالک

---

30- تذكرة السامع والمتكلم.......

میلیونها دالر میگردد . اما اگر پدر عالم ،داکتر ودانشمند باشد وبمیرد پسرش را کسی عالم و دانشمند نمیگوید بلکه پسر اگر زحمت کشیده ودانشمند شده باشد دانشمند هست ورنه یک جاهل محض خواهد بود.بهرکیف برای طالب علم ضروریست که در زمان طلب علم به حد کفایت بر ضروریات خویش توجه کند وبیش از حد راحت طلب نباشد چون علم در ریاضت نهفته هست نه در راحت .

**طالب علم باید لحظات عمرش را غنیمت شمارد:**

اگرچه درحصه اول کتاب برارزش واهمیت وقت سخنانی کافی عرض گذار گردیدند اما مناسب اداب تعلیم بعض سخنانی را برای افاده بیشتر دانش آموزان ارائه میدارم .

یکی از صفات خوبی متعلم این است که دانشجو وطالب علم اوقات بیش بهای زندگی را قدردانی نموده در تمام زندگی عموما ودر زندگی تحصیلی خصوصا ، وقت را به حُسن وخوبی مصرف کند ،متعلم باید اوقات زندگی خویش را طبق تقسیم اوقات عیار نموده مصرف نماید برای ،مطالعه ،استراحت ،ورزش ودیگر امور پابند تقسیم اوقات باشد خصوصا برای مطالعه ویاد گیری دروس وقت مناسب تاثیر بسزای دارد .خطیب بغدادی رحمه الله میفرمایند :که بهترین وقت برای یاد گیری دروس وقت سحرگاهی (حصه آخرشب)هست. چون از یک طرف خواب تکمیل میگردد واز جانب دیگر شور وغل وهیاهوی مردم وفامیل نمیباشد ومتعلم ودانشجو از نظر روحی وروانی راحت وآرام میباشد.اما وقت سحر لازمی نیست هرکس میتواند وقت مناسبی را نظربه مصروفیات خود تعیین نماید. وظاهراست که فواید این برنامه ریزی برهیچ صاحب دانش وبینش پنهان وپوشیده نیست .اگر راز افراد موفق که در جهان کارهای نمایان انجام داده اند را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دانست که بزرگترین راز کامیابی وموفقیت آنها

استفاده بجا از وقت بود.لذا برای هرموفقیت باید پلان منظم واقدام موثق داشته باشیم.

برای دانشجو مناسب هست که قبل از خواب کاغذ وقلمی زیر تکیه داشته باشد که با آن امروز خودرا قبل از خواب محاسبه کند وفردای خودرا تنظیم نماید .دانشجو باید بداند امروزی را که سپری کرده درآن چه باخت وبُردی داشت از وقت خویش در چه کارهای استفاده کرده چقدروقتش واقعا نفع بخش بود وچه لحظات باارزش زندگی را ضایع کرده ؟

دکتورمصطفی طحان میفرماید:**ان الانسان یملک الوقت الکافی لانجاز جمیع اعماله .....ولکنه یحتاج الی تنظیم الوقت فاذا لم ینظمه فهوالمسئوول عن عدم الانجاز ولیس ضیق الوقت کما یزعم** [31].یعنی :نزد انسان وقت کافی برای انجام امورش موجود هست اما انسان محتاج تنظیم آن هست،پس وقت او (اوقات زندگی را )تنظیم نمیکند خودش مسئول هست نه قسمیکه او گمان میکند که وقت کم هست . اما این به این معنا نیست که دانشجو ایام تعلیم خویش را نثار این جفاکشی ها وتکالیف تحصیل علم کند، بلکه مقصد از تنظیم این هست که نظام الاوقات که در آن به تفریح خویش وقت دهد همچنان خواب ،خواندن ونوشتن خویش را با یک نظم خاص طرح ریزی کندهست بطورمثال :یک دانش جوباید عادت کند که من روزانه بعد از نمازعِشاء دوسه مضمون را مطالعه کرده کارهای خانگی وغیره را تکمیل نموده یک ساعت فیسبوک کارمیکنم(اگرچه ضروری نیست.) ومیخوابم وصبح به نماز برخاسته نماز میخوانم وبعد ازنماز بیست دقیقه تلاوت میکنم ،سپورت میکنم وغیره.این برنامه بود که یک دانشجو برای خود طرح نمود واین برنامه را باجدیت پیگیری میکند.پس تاوقتیکه پابند این برنامه هست موفق هست وبدون شبه این وقت اختصاصیش کار آمد میگردد .اما اگر برنامه را روی کاغذ طرح ریزی

---

[31]-**ادارة الوقت ص۲۰**

کرد و بعد از عشاء به فیسبوک نشسته تا دوسه بجه شب مصروف فیسبوک ،گیم وغیره گردید صبح نماز هم قضا شد وخواب هم تکمیل نگردید ودرد سر را نیز از آن خود ساخت.پس ازاینگونه برنامه بجز ازضیاع وقت هیچ چیزی بدست نخواهد آورد.

**پابندی وقت کارمشکل است اما ناممکن نیست:**

بدون شبه پابندی به وقت کاری مشکلی هست اما ناممکن نیست .اگریک بار برنامه را پی گیری نتوانست باید کوشش کند بار دیگر عملی کند واگر بار دوم نتوانست بارسوم کوشش کند. نگذارد شکار وساوس شیطانی گردیده وبگوید والله نمیشود مشکل هست این کار ما نیست چه فایده هربار کوشش میکنم پلان جورمیکنم اما عملی نمیشود.بلکه هرگاه دچار اینگونه وساوس گردد پس باید براهداف ومقاصد خود غورکند باخودش سخن بگوید خودرا متوجه بسازد که در زندگی چه هدفی را برای خود تعیین کرده؟حتی دوستان وخویشاوندان که موفق شدند وبه آرمانهای خود رسیدند را یاد کند که آنها موفق شدند ومن ناکام ونامراد گردم ؟؟؟نخیر هرگز نه ودوباره خود را پابند سازدو هرگزتسلیم نشود.

**۴ -متوجه صحت وخوراک خود باشد :**

برای یک طالب علم کامیاب ضروریست که به صحت خود توجه خاصی داشته باشد عموما دیده شده که طلبای علم ودانشجویان برای حصول اول نمره گی ویا نمرات کدری به حدی زحمت میکشند که اصلا به صحت وخوراک خود متوجه نمیباشند،ساعتها نشسته مطالعه میکنند اگر گاهی برق نباشد در تاریکی ضعیف مطالعه میکنند ورفته رفته الی وقت فراغت از مدرسه ودانشگاه تقریبا نصف بینایی خود را از دست داده میباشد . وبسبب بی احتیاطی درخوراک به تکالیف وامراض مختلف معده وامراض خطرناک دیگرمصاب میگردند.و این بی احتیاطی درمدارس دینی بیشتر صورت میگیرد علمای کرام حتی در زمان طالب علمی وبعد از فراغت

ورزش وسپورت را معیوب میدانند واگر معیوب ندانند کم ازکم در سپورت کردن شرم وحیا محسوس میکنندوبا بهانه های مختلف از این کار پهلوتهی میورزند حالانکه اگر بخواهند در اتاق خواب شان نیز سپورت کرده میتوانند.واز نظرشرعی سپورت هیچ مشکلی ندارد اما نمیدانم چرا دراین باره از کسالت وسستی کارگرفته میشود پس برای تحصیل بهتر وبرتر، بودن صحت لازم هست .

**۵-برای خود دوستان خوب انتخاب کند:**

برای طالبعلم لازم وضروریست که دوستانی خوب ونیکوی را انتخاب کند چون طبعیت انسان انعطاف پذیر هست تجربه ثابت کرده که در تعمیر درست انسان سالها صرف میگردند اما در بی راه روی وگمراه شدن انسان روزها ،ساعتها ودقایق صرف میگردند واین همه از برکت دوست خوب ویا بد صورت میگیرد.

صحبت صالح ترا صالح کند صحبت طالح ترا طالح کند.

یکی از تجربات که اساتید گرامی با ما در زمان طلب علم شریک ساختند این بود که اساتذه کرام میفرمودند که: متعلم اگربسیار لایق وذکی باشد اما دوستان ناهنجار وگمراه داشته باشد به مرور زمان همین شاگرد لایق ،ذهین وفطین به یک شاگرد نالایق وگمراه تبدیل خواهد گردید اما برعکس اگر متعلم غبی وکند ذهن باشد اما دوستان کم وخوب داشته باشد به یک شاگرد لایق وزحمت کش تبدیل شده میتواند.واین گفته اساتید گرامی را عملا مشاهده کردیم.لذا نه صرف متعلم ودانشجو بلکه هرشخص باید درانتخاب دوستان وشناخت دوستان محتاط باشد واز مردم جاهل وبی راه تا حد امکان خود داری نماید.حضرت علی رضی الله تعالی عنه درمورد دوستان جاهل میفرمایند:

**فلاتُصاحب اخا الجهل وایـــاک وایـــــاه**

**فکم من جاهل اردی حلیـما حین واخـــاه**

**يقاس المرء بالمرء اذا مــاهومـــاشـــاه**[32]

يعنی: شخص جاهل را همنشين خود مگردان وخود را از او دورنگهدار.

بسياری از جاهلان قسم اندكه مردم حليم وبردبار آنها را دوست ساختنند بربادشدند.

انسان باكسی كه می نشيند مردم اورا برهم نشينش قياس ميكنند.

## ۵-ادب واحترام اساتذه كرام را در قلبش داشته باشد:

ضرب المثل عربی هست كه **خيرالاشغال تهذيب الاطفال**. يعنی بهترينِ مشاغل تربيت اطفال هست. نيزميگويند: :**الادب شجر والعلم ثمرثم فكيف يجدون الثمر بدون الشجر.يعنی :**ادب درخت وعلم ميوه درخت است پس چگونه ميابند ميوه را بدون درخت؟!!!! يكی از مهمترين عوامل كاميابی وناكامی در راستای علم ادب واحترام استادهست.

استاد بودن افتخاربزرگيست كه حتی رسول گرامی صلی الله عليه وسلم اين لقب را باعث افتخارخود دانسته ميفرمايند:**اِنَمَابُعِثْتُ مُعَلِمَاً...**[33] **يعنی:**بيگمان من بحيث معلم فرستاده شده ام.

مقام ومنزلت معلم بيحد بلند وبالا هست. چون دراين دور پيشرفته دردانشگاها ،مكاتب ومدارس ادب واحترام اساتيد كمتر مراعت ميگردد لذا مناسب وضروری ميدانم درمورد ادب واحترام استاد بيشتر بنويسم ، اگر در مورد ادب واحترام وحقوق استاد

---

[32] - تذكرة السامع والمتكلم

[33] - **سنن ابن ماجه** –(باب فضل العلمآء)هو أبوعبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد. حافظ كبير ومحدث شهير، متَّفَق على جلالته وإتقانه. (209 – 273هـ، 824 – 887 م). وسنن الدارمی .( هو الامام الكبير أبو محمد عبد الله بن الرحمن بن الفضل بن بهرام الدارمي المتوفى سنة ٢٥٥

به تفصیل نگاشته شود یقینا کتاب ضخیمی نوشته خواهد شد اما برمشتي نمونه ازخرواری اکتفا میکنیم.

امام رازی رحمه الله [34]درتفسیرشهره آفاق بنام (مفاتیح الغیب )معروف به تفسیرکبیر درسوره کهف ضمن قصه حضرت موسی وخضرعلیهما السلام بعض آداب باارزشی را به رشته تحریر درآورده اند که فشرده وخلاصه اش دراینجا خالی از فایده نخواهدبود.موصوف میفرمایند: **اعْلَمْ أَنَّ هَذِهِ الْآيَاتِ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَاعَى أَنْوَاعًا كثيرة من الأدب واللطف عند ما أَرَادَ أَنْ يَتَعَلَّمَ مِنَ الْخَضِرِ.يعني**:بدان (ای مخاطب) که این آیات دلالت میکنندبراینکه وقت حضرت موسی علیه السلام اراده حصول علم از حضرت خضر علیه السلام را کرد پس بسیاری آداب وبُردبَاری های (طالبعلمانه ) را درنظر گرفت .

۱-اینکه درآغاز این سفرحضرت موسی علیه السلام فرمود : او**أَمْضِيَ حُقُبًا** (یعنی برای دیدن وکسب علم از حضرت خضر علیه السلام زمانه طویل سفرخواهم کرد(بعض علمآء لفظ ‹**حُقُبًا**› را به هشتاد سال تعبیرکرده اند )امام رازی رحمه الله در شرح این حصه آیه مبارکه (**أَوْ أَمْضِي حُقُبًا**)میفرمایند: **أَوْ أَمْضِي دَهْرًا طَوِيلًا حَتَّى أَجِدَ هَذَا الْعَالِمَ، وَهَذَا إِخْبَارٌ مِنْ مُوسَى بِأَنَّهُ وَطَّنَ نَفْسَهُ عَلَى تَحَمُّلِ التَّعَبِ الشَّدِيدِ وَالْعَنَاءِ الْعَظِيمِ فِي السَّفَرِ لِأَجْلِ طَلَبِ الْعِلْمِ وَذَلِكَ تَنْبِيهٌ عَلَى أَنَّ الْمُتَعَلِّمَ لَوْ سَافَرَ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ لِطَلَبِ مَسْأَلَةٍ وَاحِدَةٍ لَحَقَّ لَهُ ذَلِكَ . يعنى**: سفرخواهم کردزمان طویل تااینکه بیابم این عالم (حضرت خضر علیه السلام)را واین خبری است از حضرت موسی علیه السلام که بدون شبه حضرت موسي علیه السلام خودرا

---

[34] - **الرَّازي، فخر الدين (544 – 606هـ، 1150 – 1210م).أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين. ولد في الري بطبرستان،**

برای طلب علم به این تکلیف شدید وخستگی بزرگ آماده ساخت ودراین تنبیه است برای متعلم ودانشجو که اگر برای (آموختن ) یک مساله ازمشرق به مغرب سفرکنداین شایسته وسزاوار اوست.

۲- وقت حضرت موسی علیه السلام نزد حضرت خضر علیه السلام آمده وملاقات کرد، فرمود:**هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْداً**[35] . يعني:آیا باتوباشم براینکه بیاموزانی مرا از انچه آموختانده شده یی راه خوبی؟

امام رازی رحمه الله میفرمایند: **أَنَّهُ جَعَلَ نَفْسَهُ تَبَعًا لَهُ لِأَنَّهُ قَالَ: هَلْ أَتَّبِعُكَ. يعني (باوجودكه شان ومرتبه** حضرت موسي علیه السلام از حضرت خضر علیه السلام بیشتربود اما بخاطرعظمت وحصول علم ) با گفتن لفظ (**أَتَّبِعُكَ**) خود را پیرو وحضرت خضر علیه السلام را رهنما ومقتدا قرارداد. واین پیروی راهم بشکل اجازه خواستن طلب کرد که به کمال تواضع برای علم دلالت میکند.

۳- ودرمورد لفظ ( **أَنْ تُعَلِّمَنِ** ) میفرمایند : **أَنَّهُ قَالَ عَلى أَنْ تُعَلِّمَنِ وَهَذَا إِقْرَارٌ لَهُ عَلَى نَفْسِهِ بِالْجَهْلِ وَعَلَى أستاذه بالعلم**.که حضرت موسی علیه السلام فرمود (**أَنْ تُعَلِّمَنِ**-اینکه بیاموزانی مرا) که دراین (یک نوع ) اقرار بی خبری برای خود واثبات علم برای استاذ است.

۴-وبر این حصه أیت (**مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا**) اشاره به این است که (استاذمحترم) میخواهم یک چیزی علم از شما بیاموزم مقصدم برابری با شما نیست .

۵- از لفظ (رشدا ) اشاره به این است که طالب علم ودانشجو باید همیشه درطلب رشد وهدایت باشد تا از تاریکی های جهل وگمراهی محفوظ بماند.

---

35-الکهف -۶۶

۶- نیز از لفظ (اتبعک) این هم ثابت میگردد که شاگرد به هراندازه صاحب مقام ومرتبه باشد بازهم درطلب علم باید ادب واحترام استاذ وعظمت علم را درنظر داشته باشد قسمیکه می بینیم که حضرت موسی علیه السلام باوجود که رسول وپیامبر صاحب شریعت اند.اما برای علم آداب استاد را درنظر میگیرند.

۷–با مقدم ساختن لفظ (اتبع)وموخرساختن لفظ (تعلمن )اشاره به این است که شاگرد اول خادم (استاد) است وبعدا شاگرد ومتعلم است .

با تاسف که این وصف در متعلمین ودانشجویان این زمانه تقریبا ناپید است .تعلق ورشته استاد وشاگرد تعلق پدر وپسراست ، پسر به هراندازه که شخصیت بزرگ باشد رییس ووزیرباشد اما اگرخدمت مادر وپدر را نکند مادروپدر هرگز راضی بوده نمیتوانند به همین گونه استاد است .

۸– درلفظ (**اتبعک**:شمارا پیروی میکنم) دراین پیروی شاگرد فقط علم را خواست کدام عوض دیگری نخواست اشاره به این است که مقصود ومطلوب طالب علم فقط وفقط علم باشد نه جاه وجلال و نه مال ومتاع ونه شهرت.(از تفسیر کبیرملخصا)[36]

**تواضع وانکساری درمقابل معلم:**

وارشاد گُهربارِ رسول الله صلی الله علیه وسلم است که میفرمایند:

**تعلموا العلم وتعلموا للعلم السكينة والوقار وتواضعوا لمن تعلمون منه**[37] **يعني**:علم را بیاموزید و برای علم وقار ومتانت را بیاموزید ونزد کسیکه علم رامیاموزید تواضع وانکساری کنید.

---

[36] -تفسیرکبیر سوره کهف .

[37] - **رواه الطبراني في الاوسط (باب أدب الطالب)وفيه عباد بن كثير**

معلم،استاذ وآموزگار نامهای مقدس و درخشانی اند که بعد از الله متعال که مُربی (تربیت کننده) حقیقی انسان هست بدون شبه ماتحت الاسباب مربی مجازی انسانیت یگانه ذات گرامی استاد ومعلم هست.

معلم هست که امروزانسان با آفتاب ومهتاب هم چشمی دارد و سینه های کوه های گران را چاک کرده وغرور امواج بحرها و دریاها را برهم شکسته از لعل وگُهر آن استفاده مینماید ، این احسان ومنت آموزگار است که انسان را از ظلمت وتاریکی های جهل رهایی بخشیدو با سپیده دم روشن علم ودانش همکنار میسازد، امروز اگر کسی بر علمیت، دانش و بینش ، قیادت وسیادت ویا هم بر ریاست ووزارت خویش میبالد همه وهمه از طُفیل معلم وآموزگارهست،معلم آن هستی بزرگ جهان خاکی هست که درمقابل پیکر ناتوانش ،رزمنده گان توانای جهان به خم کردن زانوی تَلَمُذ (شاگردی) مجبورند وبه شاگردی درمقابل او عاجزانه ونیازمندانه نشسته افتخارمیکنند ، اسکندر مقدونی است ویا چنگیز مغولی ،چه تیمورجهان کشا وچه هم خسرو وغزالی همه وهمه گدایان دربار شاهانه استاد ومعلم بنظرمیرسند.

ادب واحترام استادان عموماً و در زندگی تحصیلی خصوصا جز لازم هردانشجو هست ،ارتباط وتعلق بین استاد وشاگرد ارتباط معنوی هست که نه تنها به عمل بلکه غیرملموس از قلبها احساس میگردد. بسا اوقات بی احترامی درمقابل استاد باعث محرومیت بزرگترین نعمت های دنیا وآخرت میگردد . تجربه ثابت کرده که بارها شاگردان نهایت ذکی وذهین که ذکاوت وفهم شان قابل رشک بوده اما بسبب بی احترامی درمقابل استاد با وجود داشتن اسناد کدری وتحصیلات عالی ، سالهای سال آواره درپی کارو وظیفه سرگردان میگردند.اما خودش علت این کار را نمیداند ؟ و به دوستان خود شکایت کرده میگوید:نمیدانم بامن چرا اینطور میشود؟ تمام کارهایم خوب پیش میروند اما درعین موقع نقصی درکارم پیدا میگردد ویا کاری میشود که وظیفه را ازدست میدهم ومیگوید فکر میکنم کسی بالایم تعویذ کرده . آری! خودت بالای خود تعویذ کردی اما نمیدانی؟ فراموش کردی که

درمقابل استاد چه بی احترامی های کردی؟ گاهی بر شکل وصورت استاد مزاح وتمسخر ،گاهی در درس استاد ریشخند وگاهی هم از غربت ناتوانی وبی کسی استاد استفاده سوء نموده تهدیدش کردی وحتی لت وکوبش کردی (العیاذبالله). وقت درمقابل استاد بی احترامئ صورت بگیرد و استاد آزرده گردیده چیزی نگوید پس بدانید که از قلب استاد آهی هست که بر میآید و در این آه قوتیست که تمام باغ وبهار امیدهای زندگانیت را بخاک یکسان میگرداند .

بترس از آهِ مظلومان — کـه هنگامی دعا کـردن
اِجــابــت از درِحـــق — بهـــرِ اســتقبال میــآید

ای استاد ومعلم گرانقدر!! بجاست که قبل از مادر وپدر به شما دعا شود.چون به گفته اسکندر مقدونی پدر مرا از آسمان به زمین آورد اما استاد ومعلم مرا از زمین به آسمانها رسانید.تویی آنکه تمام عمر صاحب خانه وکاشانه نگردیدی ،تویی آنکه گاهی از رزق و رزوی اهل و عیالت فارغ البال نبودی اما بر جبین پُرتمکینت آثار شکوه وشکایت دیده نشد ، باخنده پیشانی در باد و باران در ظلمت وطوفان برای آینده روشن ما به درسگاه حاضرشدی، درد و رنج را توکشیدی اما به ما لبخند مشفقانه ومهر پدرانه عنایت فرمودید، تومسیحای انسانیت هستی هرچه گویم کم هست اما با یک جمله که رسول الله صلی الله علیه وسلم درمورد حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرموده بود مقام والایت را بیان میکنم که : احساناتت بالای ما به حدیست که در دنیا نمیتوان عوض وپاداشش راعطا کرد، خداوند در روز رستاخیز از جانب خود اجروپاداش نیک را برایت عنایت فرماید. آمین. یک شاعر پشتو مقام استاد را باچه پیرایه زیبا بیان کرده میفرماید:

**دی معلم چی ژوندی مري خوبل ته سا ورکوي — پخپله سوزي مگرنورو تـه رنـا ورکـوي**
**څوک یی له دره نا امیده تش لاس تللی نـدی — هریو سائل ته د دنیا سره عقبیٰ ورکـوي**
**دجــهــان تگي په کــوثر خـړوبوي دعـلــم — مړو جسدونو کې پوکی دمسیحا ورکـوي**

**خپله ملنگ دی خو تاجونه وربښی نوروته** — **چاته تاجونه د بابل چاته کسری ورکـوي**
**هرې بلا ته لکه سپــر دی ته یی وینی کـــنه** — **دترگــمو په تل کی زیری د سبا کــوي**
**آرام د نورو شــوگیــرئ شولی دده په برخــه** — **دزړگی داغ یی د څراغ په شان رڼا ورکوي**
**مشک اوعنبر ورته ښکاري دتباشیرگردونه** — **خپله رنځورگرځي خونورو ته دواورکوي**
**دده دزره په وینو شنه شول رنگارنگ گلونه** — **دا گواهی د تــورکئ وینا رسا ورکـوی**

## اَسلاف ما واحترام اساتید:

تابعي معروف حضرت ثابت بناني رحمه الله وقت نزد استاذش حضرت انس بن مالک رضی الله عنه میامد دستانش را میبوسید از همین جهت حضرت انس قبل ازآمدن شاگردش به کنیزخود میفرمود : **يا جارية هاتي لي طيبا أمسح يدي فان ابن أم ثابت لا يرضى حتى يقبل يدي** . اودختر! خوشبو را بیاور تا دستانم را معطرسازم چون ثابت تا دستانم را نبوسد راضی نمیشود[38].

حضرت سفیان بن عُيَيْنه وفُضَيْل بن عِياض هردوشاگردان حسین جعفی بودند یکی شان دستان ودیگرشان پاهای استاد خود را بوسید.[39]

**امام شافعی رحمه الله میفرمایند :** من ازهیبت امام مالک (استاد امام شافعی )کتاب را آهسته آهسته ورق میزدم.

**امام ربیع میفرمایند** : بخدا قسم وقت (استاذم) امام شافعی رحمه الله به من نگاه میکنند من از هیبت وی جرات نوشیدن آب را نمیکنم.

## شاگرد با ادب عزیزتر از اولاد میباشد:

---

38 - مجمع الزوائد.للهيثمي الجزء الاول ص ۲۵۴
39-(اداب شرعيه ج۱ص ۱۵۶)

امام حماد استادامام ابوحنیفه رحمهما الله بعد از بازگشت از سفرطویل وقت به خانه رسید پسرش پرسید: که در سفر از همه بیشتر کی را یاد کردند؟ پدرش جواب داد: ابوحنیفه را (درحالیکه پسرش توقع داشت که اسم اورا یادآور خواهدشد.)

**احترام پادشاه به استاد:**

هارون رشید یکی ازخلفای عباسی به پسرش (مامون الرشید) عالمی بنام امام اصمعی[40]را بحیث استاد ادب استخدام نمود ،امام اصمعی به دربار شاهی آمده روزمره به شهزاده درس میداد روزی هارون رشید داخل دربار شاهی گردیده ومی بیند که امام اصمعی درحالت وضو پاهایش را میشوید وشهزاده مامون الرشید بر پاهای استاذش آب میریزد ،هارون رشید این حالت را دیده غضبناک میگردد ونزد استاذش اَصمعی آمده میگوید :من شمارا بحیث استاد ادب مقرر کردم تا به پسرم ادب بیاموزانید اما قسمیکه میبینم تا حال پسرم ادب را نیاموخته، شما چرا پاهایتان تان را میشویید؟ تقاضای ادب واحترام استاذ این است که پسرم با یک دست آب بریزد وبدست دیگر پاهای شما را بشوید. این بود ادب واحترام برای استاد درقلب شاهان آن زمان.[41]

## اهل مغرب واحترام استاذ ومعلم:

**معلمی درمحکمه؟!! A teacher in the court**

یکي از نویسنده گان معروف پاکستانی بنام اشفاق احمد درکتابش بنام (زاویه)[42] درمورد واقعه که در زمان قیام درشهر روم کشور ایتالیا با ایشان پیش آمده بود مینوسند:که درشهر روم یکبار بسبب نقض قانون ترافیکی جریمه شدم اما متاسفانه پول پرداخت جریمه را نداشتم وبه محکمه معرفی شدم .وقاضی بعد از سوالات

---

[40] ـالأصمعي أبو سعيد عبد الملك بن قريب..... المعروف بالأصمعي الباهلي كان الأصمعي المذكور صاحب لغة ونحو وإماما في الأخبار والنوادر والملح والغرائب .

[41] - مخزن اخلاق –از رحمت الله سبحانی کیرانوی (هندی)

[42] -زاویه ص ۴۱-۴۳

مختلف پرسید شما چه کار میکنید؟ من درجواب شرمنده شده گفتم من معلم هستم با شنیدن این جمله قاضی فورا از جایش برخاست وبه آوازبلند به همه گفت:

A teacher in the court یعنی :استادی درمحکمه؟!! وتمام حاضرین داخل محکمه به احترام من ایستاد شدند.اشفاق احمد میگوید :بعد ازآن قاضی قسمی بامن سخن میگفت گویا بسیار شرمنده است چنانچه قاضی به من گفت: جناب !شما استاذ هستید امروز اگر (کسی) قاضی ،داکتر وانجینیر هست همه از برکت شما اند .من بیحد متاسفم که با درنظرداشت تقاضای قانون، شما مکلف به پرداخت جریمه هستید چون بهرصورت از شما خطا سرزد شده باوجودیکه من بیحد شرمنده ام .اشفاق احمد درکتاب شان این را هم نوشته اند که راز ترقی این قوم را حالا دانستم که چرا اینها پیشرفت کردند.

درهمین ایتالیا گفته میشود :سه گروه نباید پشت چراغ سرخ (اشاره ترافیکی) منتظربمانند :آمبولانس ،اطفائیه و معلمان.

فرانسه: ثروتمندان درمحدوده ی شهرک فرهنگیان خانه خریداری میکنند تا برهمسایگی با معلمین افتخار کنند.

سویدن: شنیدم مردی میگفت : فرزند اولم داکتر است وفرزند دومی من فکر بهتری دارد اومیخواهد معلم شود.

آلمان :انجلامرکل صدراعظم آلمان درخطاب به داکتران معترض به حقوق شان گفت: شما توقع نداشته باشید که حقوق شما ازحقوق معلمانی که شما را تربیت کرده اند بیشترباشد.

انگلستان :درانگلستان میگویند : این بچه نابغه هست توان معلمی را دارد.ومعلمان نشان افتخار میگیرند.

هتلردرجنگ جهانی دوم تنها به طبقه وقشری که اجازه وارد شدن به جنگ را نداد معلمین بودند وآنها را درسنگرهای زیر زمین محبوس کرد ودلیلش را که از اوپرسیدند این بود که : اگر درجنگ پیروز شویم ،برای جهانگشایی به آنها (معلمین) نیاز داریم واگر شکست بخوریم ،برای ساخت کشور به آنها نیاز داریم [43]

**استاد مرا از زمین به آسمانها بلندکرد:**

ازاسکندرکسی پرسید شما استاد را چرا برپدر ترجیح میدهید؟ اسکندر درجواب گفت پدر مرا ازآسمان به زمین آورد واستاد مرا از زمین به آسمان برد،پدرسبب حیات فانی واستاذ سبب حیات جاویدانی است،پدر جسم مرا پرورش داده واستاذ جسم وروح را پرورش داده است .[44]

این است ادب واحترام استاذان ،این حقایق بی غباری اند که حالا زینت کتابها گردیده اند . شاگرد ومحصل امروزی به این گمان، فریب خورده که من در مدرسه ودانشگاه فیس میدهم واستاد مکلف هست که باید به من درس را مثل شویست در آب حل کرده درگلونم بریزد ودرس را برایم یاد بدهد ولوکه من احترامش را داشته باشم یاخیر،اکثریت والدین واولیای شاگردان هم درجرم بی احترامی به استاذان مجرم اند واکثربا استاذان رویه نامناسب دارند.

## آداب مهم وضروری استاد:

۱- وقت به درس حاضر میگردد باید صاف ونظیف بیاید.

۲-با ادب بنشیند.

۳-عظمت وبزرگی استاد را درقلب داشته باشد.

---

[43] -(https://niniperarin.com)

[44] - مخزن اخلاق ،باب اداب المتعلمین –از مولانا رحمت الله کیرانوی سبحانی هندی.

۴-در خلال درس همه تن متوجه درس استاد باشد وآنچه از درس استاذ میاموزد حفظ کند.

۵-حتی اگر درمقامی از درس کدام جای قابل اشکال باشد ودرفهم شاگرد نیاید نسبت کوتاهی وعدم فهم را بسوی خود کند.

۶-اگر دربعض مواقع ضرورت به دفاع از استاد بیفتد از استاد خویش دفاع کند.

۷- در محافل عامه اگر با استاد مواجه میگردد بعد از سلام عامه بطور خاص با استادش سلام واحوال پرسی کند.

۸- اگر استاد مصروف گفتگو باکسی باشد سلام نکند بلکه منتظر باشد وبعد از گفتگو سلام کند.

۹- در حضور استاد نشسته خنده نکند ونه زیاد گپ بزند.

۱۰- سختی وترش مزاجی استاد را با حوصله تمام برداشت کند.

## آداب مطالعه:

بعد از ذکر بعض آداب ضروری معلم چون مطالعه جز لازم معلم ،متعلم وهرانسان سلیم الفطرت هست،حتی درصدر اسلام اولین پیام الهی به بنده خوانش بود مطالعه کتب درسی وغیر درسی یک هدف مهم واهمیت بسزای دارد لذا در ذیل بعض مبادیات ، اداب وضوابط ضروری مطالعه را هدیه قارئین محترم ومتعلمین عزیز میکنیم تا باشد به همه ما مفید وپُرثَمرواقع گردد.

**مطالعه چیست؟**

**مُطالَعه درلغت** : مطالعه از لفظ (طلوع )گرفته شده به معنای ظاهرشدن بلند شدن برآمدن قسمیکه گفته میشود:« طَلَعتِ الشمسُ »یعنی آفتاب برامد یا ظاهرشد. ومعنای مطالعه است (تحت پیگرد قراردادن ویا به الفاظ ساده تحت تفتیش وتحقیق قراردادن).

**تعریف اصطلاحی مطالعه :** المطالعة :صرف الفکرِفی مَبْحثٍ لِیَتَجَلیٰ المُرادُ.یعنی کوشش فکری برای واضح ساختن هدف در یک مبحث .[45]

آداب مطالعه را میتوان درمباحث ذیل گنجانید.

**۱ـ اهمیت مطالعه .**

**۲ـ مقاصد مطالعه .**

**۳ـ شرایط مطالعه :**

**۴ـ نظام وترتیب مطالعه .**

**۵ـمراحل مطالعه .**

**6ـ طریقه مطالعه.**

## ۱ـ فوایدواهمیت مطالعه

دانش آموز عام از این که طالبلعم باشد یا متعلم ومحصل، باارزش ترین سرمایه یک کشوراست وقسمیکه با مساعد ساختن آب وهوای شفاف ،خوراک وپوشاک عمده به صحت وتندرستی یک دانش آموز توجه صورت میگیرد همینگونه باید با کتب ومواد درسی ومطالعه کتابهای سالم ، این سرمایه را محافظت نمود ، کُتُب سالم درکردارسازی یک دانش آموز حیثیت کلیدی را دارا است.امامتأسفانه امروز درکشور عزیز فرهنگ مطالعه به تدریج از بین میرود بجای مطالعه ،قشر جوان خصوصا دانش آموزان مصروف فیسبوکها وانترنت بنظرمیرسند .

---

45-دستورالعلمآء( ج۳/۳۲۴).

کتب بینی عادت خوب ونهایت مهمی است . بسبب **مطالعه** در علم وفضل شخص اضافه میگردد واز طُفَیل **مطالعه** صلاحیت های فطری انسان نشو نمو مینمایند، **مطالعه** سامان فرحت وتسکین هست وراه رسیدن به قله های عظمت وشرافت هست **مطالعه** سبب حل مشکلات زندگی وتربیتی میشود **مطالعه** سبب پویایی وفعال شدن مغز شخص مُطالِع (مطالعه کننده) میگردد **مطالعه** سبب جلوگیری از آلزایمر(فراموشی )وامراض شایع مغزی میگردد **مطالعه** روابط انفرادی واجتماعی را تقویت می بخشد **مطالعه** سبب شناخت وشگوفایی استعدادها میشود **مطالعه** سبب خدا شناسی وافزایش معنویت شخص میگردد **مطالعه** سبب پیشرفت فرهنگ جامعه میگردد **مطالعه** سپورت وورزش مغز انسان هست **مطالعه** باعث متفاوت شدن نگاه وبینش شما از دیگران هست **مطالعه** باعث میشود به اهدافی که در زندگی دارید برسید **مطالعه** هنر زندگی کردن را میاموزاند **مطالعه** شما را سخنگو وناطق خوبی میسازد **مطالعه** باعث کم شدن اشتباهات شما درزندگی می شود **مطالعه** باعث اعتماد به نفس شمامی شود ازهمین جاست که نویسنده انگلیسی بنام لارد بیکن درمورد اهمیت مطالعه میگوید:**مطالعه شخصیت انسان را تکمیل میکند.** [46] مولانا اشرف علی تهانوی رحمه الله اهمیت مطالعه را به این الفاظ بیان کرده میفرمایند:مطالعه برای طالبعلم قسمی هست مثلیکه آب برای زمین هست. بدون آب فصل نمی روید،همچنان بدون مطالعه استعداد علمی وصلاحیت نمودار نمی گردد.پس برای متعلم ضروریست که علاوه از اوقات درسی دراوقات مختلف مصروف مطالعه باشد.[47]

## زندانِ مطالعه دربرازیل:

---

[46] -روشهای درست مطالعه(ملخصا) –از داکتر منصور (مجاب)

[47] - تحفة الطلباء والعلمآء.

وبرای اهمیت وارزش بیشترمطالعه اگر قانون دلچسپ ومفیدی کشور برازیل را که برای زندانیان تصویب کرده اند ذکر آن دراین موقع خالی از فایده نخواهد بود .

زندانی دربرازیل وجود دارد که زندانیان با خواندن یک کتاب ونوشتن برداشت خود از کتاب می توانند چهار روز از مدت زمان حبس خود کم کنند!

نظر به اعلان دولت برازیل دوازده کتاب درموضوعا ت ادبیات ،علوم وفلسفه دراختیار زندانیان چهار زندان قرار میگیرند.با این شیوه، زندانیان می توانند حداکثر سالانه ۴۸ روز از مدت محکومیت خود را کسرکرده بکاهند.

دربیانیه رسمی دولت برازیل آمده است:زندانیان ،چهارهفته برای مطالعه هر کتاب وقت خواهند داشت . آنها پس از مطالعه کامل کتاب باید مقاله ای را به صورت صحیح درباره محتوای این کتاب بنویسند. همچنین کمیته ای ویژه تصمیم خواهد گرفت کدام یک از زندانیان می توانند دراین برنامه با عنوان (خلاص شدن با مطالعه )مشارکت کنند.

(اندریه کهدی ) وکیل دادگستری از شهر«سائوپاولو»برازیل وناظربرطرح اهدای کتاب به زندانها دراین باره گفته :با اجرای این طرح هرفردی می تواند درحالی زندان را ترک کند که آگاه تر شده ونگاه بازتری به جهان خواهد داشت .

**مردی که سه سال حبسش را با مطالعه کاهش داد:**

چنانچه مردی که به جرم سرقت مسلحانه به زندان محکوم شده بود با خواندن حدود سیصد جلد کتاب ،مدت حبس خود را از ده سال به کمتراز هفت سا ل کاهش داد.

این فرد پس از آزادی از زندان ،به لطف مطالعات ودانش کسب شده درمدت حبس ،بلافاصله درآزمون ورودی درمعتبرترین دانشگاه این کشور پذیرفته شد واکنون پس از گذشت ده سال از آزادی خود واخذ سند دکتورا به عنوان استاد ومدرس دانشگاه مشغول به کار است . او بربسیاری از دوستان ناهنجار ومتخلف خود اثرات مثبت گذاشته وفرزندان اونیز تحت تاثیر این اقدام پدر ،قرار گرفته ودرزندگی شان تغییر مسیردادند .[48]

**قصه یک عاشق مطالعه:** علامه ابن القیم رحمه الله قصه استاذش را ذکر میکند ومیفرماید:استاذم (ابن تیمیه رحمه الله ) بیان میکند که یک بار مریض شدم طبیب برایم گفت:مطالعه ومذاکره علمی شما باعث ازدیاد وپیشرفت مرض شما میگردد.(ابن تیمیه رحمه الله میگوید به طبیب)گفتم: این امکان ندارد (که مطالعه ودرس را ترک کنم) و(به طبیب گفتم)**أنا أحاكمك إلى علمك أليست النفس إذا فرحت وسرت قويت الطبيعة فدفعت المرض فقال بلى فقلت له فإن نفسي تسر بالعلم فتقوى به الطبيعة فأجد راحة فقال هذا خارج عن علاجنا** . یعنی :من شما را از روی علم شما محاکمه میکنم (شما بگویید)آیا وقت نفس انسان راحت وخوش باشد صحت انسان قوی گردیدومرض ازبین نمیرود؟ (طبیب )گفت:آری چنین است. پس به(طبیب)گفتم بدون شبه نفس من بامطالعه ودرس) خوش میگردد وصحتم قوی میگردد وراحت میگردم (طبیب)گفت :این از علاج ومعالجه ما خارج است.(یعنی نمیتوانم انسان مثل شما را معالجه کنم) [49]

## ۲-مقاصدمطالعه:

مطالعه مشتمل بر دومقصد مهم است:۱-تحصیل مقدار متعین علم .

---

[48] - www.wisgoon.com

[49] - روضة المحبين ونزهة المشتاقين.لابن القيم الجوزية.

به این معنا که نظربه توان بشری انسان با ذوق سلیم وکوشش از بحربی کنار علم قطره بردارد.

۲-حصول مهارت درامور متعین ومحدود.

به این معنای که در هررشته که انسان تحصیل میکند باید مهارتهای مهم وضروری در آن رشته را بیاموزد.داکتر با مطالعه کتب طب وانجینیر با مطالعه کتب مربوطه وعالم با مطالعه وعرق ریزی های بی پایان متخصص در امور دینی گردد.

## ۳- شرایط مطالعه:

عبارتند از :۱-**مکان مطالعه:**

گفته میشود که منفعت مطالعه کتب هنگام حاصل میگردد که انسان بدون خستگی ،سروصدا در فضای مملو از آرامش به مطالعه بپردازد اطاق مطالعه باید گوشه راحت وتنهایی باشد نیزاطاق باید ازنورطبیعی کافی برخوردار باشداگرچه برخی از افراد عادی مطالعه در خاموشی وراحت میباشند اما بعضها در سروصدا مطالعه را ترجیح میدهند چون افکار وطبیعت های انسانی فرق میکند لذا به هرگونه که موقع مطالعه میسرگردد به مطالعه پرداخته شود.

**۲- زمان مطالعه:**زمان مطالعه برای افراد متفاوت هست برخی درشب وبرخی هنگام صبح را به عنوان زمان مطالعه انتخاب می کننداما تجربه ثابت کرده که بهترین وقت برای مطالعه وقت صبح است،چون ذهن انسان بعد ازچند ساعت استراحت وآرامش بیش از هر زمان دیگر آماده یادگیری میباشد.

از جانب دیگرنمیتوان از این حقیقت انکارکرد که مطالعه مانند سایر امورشوق و ذوقی دارد که این شوق وذوق سالم انسان را وادار به مطالعه در هرزمان ومکان میسازد.بارها دیده شده که شایقین مطالعه در موتر ،قطارریل وطیاره مطالعه میکنند.خلاصه اینکه هروقت احساس کرد که مطالعه میتوانیم باید مطالعه کرد.

**۳-میزونشت گاه برای مطالعه:**

میزمناسب برای مطالعه ویا نشست گاه مناسب یکی از مهمترین شرایط مطالعه هست که رعایت نکردن آن علاوه از تاثیر نامطلوب درمطالعه، مشکلات جسمی را نیز درپی خواهد داشت .نظربه گفته های داکتران یکی ازعوامل دردهای مفاصل ،کمروگردن نتیجه نشستن غیراصولی برای مطالعه هست .

پس مناسب هست که هنگام خرید میزمناسب مطالعه دقت کنید که باید به گونه یی باشد که درهنگام مطالعه پشت به چوکی چسپیده باشد میزمطالعه نیزباید طوری باشدکه خواننده هنگامی که دودست خود را روی میز قرار می دهد ،حد اقل فاصله کتاب وچشمان او کمتراز ۳۰-۴۰سانتی مترنباشد. واگر میز مهیا نباشد در حالت نشستن احتیاط کنیم و متوجه حالت خویش باشیم که به مجرد تکلیف واذیت هیئت نشستن خویش را تغییر دهیم

**۴- کتب مطالعه:**

قسمیکه آب وهوای کثیف وخوراک خسیس انسان را بیمار وضعیف میسازد به همینگونه کتب ومجلات ومواد مبتذل این سرمایه باارزش جامعه(دانشجویان) را از بین میبرد.وباعث میگردد تا انسانهای بدکردار به جامعه تقدیم گردند.

لهذا برای دانش آموز لازمست تا مطالعه کتب مفید را برخود لازم قرار دهد کتابهای که باعث ترقی وپیشرفت علمی انسان میگردند.

**۵ - کتابخانه بزرگترین ومهم ترین ضرورت دانشجو:**

اگرچه از طفیل وبرکت ساینس وتکنالوجی ذوق مطالعه ازبین رفته و رفته رفته از بین میرود.اما کتابخانه مهم ترین ضرورت یک طالبعلم ودانشجو هست هرآن شخصی که طلبگار علم واقعی هست وکتابخانه ندارد ویا با کتابخانه ها سرنمیزند نمیتواند به مقصد ومرام خود برسد نام متعلم ،دانشجو ومحصل بدون کتاب وکتابخانه ناقص است متعلم باید حریص کتاب باشد . خوب بیاد دارم که در زمان طالبعلمی خویش وقت از خانه برای

خریداری سودا وغیره پول میدادند وبه بازار میرفتم وکتابی توجهم را جلب میکرد با پول سودا کتاب میخریدم، وبزرگترین خواهش وشوقم خریداری کتب بود از همان زمان طالب علمی بود که وقت از تعلیم فارغ التحصیل گردیدم در خانه کتابخانه مجهزی داشتم که تقریبا مشکلاتم را حل میکرد.

**۶-چه وقت مطالعه بهتر صورت میگیرید؟**

در جواب این سوال ماهرین تعلیم وتربیه شرایط مختلفی را یاد آورگردیده اند که با رعایت آنها میتوان مطالعه مثمر ومفیدی داشته باشیم مثلا: زمینه سازی برای مطالعه :به این معنا که اگر شما میخواهید مطالعه کنید باید کارهای ضروری که بعد از آغاز مطالعه باعث اخلال درمطالعه گردند را انجام دهید مثلا :آمده ساختن کتاب قلم پنسل وغیره ویا درموسم گرما باز کردن کلکین برای هوا ویا درموسم سرما آمده ساختن چادر لحاف وغیره همراه با آب ،چای وغیره ۲- بودن محیط آرام –۳- صحت کامل –۴- هدف از مطالعه دروقت مطالعه ۵- آماده گی ذهنی برای مطالعه وغیره. قابل تذکر هست که اگرچه محیط آرام برای مطالعه ضروریست اما محیط نظر به طبایع اشخاص متفاوت است بعض مردم درهیاهو وازدحام نیز باتوجه کامل درمطالعه مستغرق میباشند ویا درسفر درموتر وطیاره نیز به راحتی مطالعه مینمایند.

## ۴-نظام وترتیب مطالعه:

برای دانشجولازم است تا نظام وترتیب کاری داشته باشد وبرای انجام دهی امور، اوقات آینده را با نظم خاص وتشکیل پلان منظم ترتیب داده پیش ببرد وبا جدیت وجُهد مسلسل برنامه طرح شده را عملی نماید. در ترتیب برنامه ونظام الاوقات کارهایش را مد نظرگرفته برنامه ریزی کند به این معنا که هرشخص امورزندگیش مختلف از دیگران هست لذا تقدیم وتاخیر امور دراختیار شخص هست ونظربه نوعیت کاری خویش کارها را ترتیب وتنظیم کند که به کدام کار چه وقتی مناسب هست کدام مواد درسی در چه

وقت بهتر مطالعه میگردند.درکدام مقطعه زمان متاع بیشتر وقت را بدست دارد تا از آن بیشتر بهره ور گردد.

### ۵- مراحل مطالعه:

مطالعه کتب درسی سه مرحله دارد که عبارتند از:

- **آماده گی قبل از آغازدرس.**
- **حاضری ذهنی درخلال درس که عبارت از همه تن گوشی ومتوجه بودن به درس وتشریح استاذ هست.**
- **مرحله بعداز درس که عبارت از مذاکروتکرار درس خوانده شده میباشد.**

### تفصیل مختصر سه مرحله فوق قرار ذیل هست .

**۱-مرحله آماده گی :**مقصد ازاین آماده گی ،تیاری برای درس جدید که فردا در درسگاه از جانب استاد ارائه میگردد هست.عموما متعلمین ومحصلین به این مرحله مهم توجه نمیکنند و به این نظر اند که وقت فردا استاد تمام درس را تشریح میکند پس آماده گی پیشاپیش ما معنای ندارد .درحالیکه دانشمندان وماهرین تعلیم وتربیه میگویند: بهترین روش کامیابی برای دانشجومطالعه واماده گی برای دروس جدید هست .واین یک امر تسلیم شده هست که اگر دانشجو برای درس جدید آماده گی میگیرد درذهنش یک نقشه درس را داشته میباشد واز درس جدید هیچگاه احساس خستگی نمیکند. نیز یکی ازفوایدی آمادگی برای درس جدید این هست که دانشجو درک میکند که درس جدید را تاچه حد فهمیده وچه مقدار درس را نفهمیده کدام حصه درس آسان وکدام حصه درس دقیق ومشکل بود.

اکثرا دیده شده که دانشجو چونکه از قبل درس جدید را مطالعه نکرده درخلال درس سوال بی معنای میکند که باعث تمسخر هم صنفیان وباعث اذیت استاذ قرارمیگیرد ووقت شرمنده میگردد با استاد بحث ومباحثه بی جا میکند وبا این گونه مداخلات بی جا باعث حق تلفی دیگران میگردد. پس

معلوم شد که آماده گی برای درس جدید یک حصه مهم درس هست که همواره به آن توجه باید داشت.

## ۲-همه تن گوشی :

وقت شما از آماده گی درس جدید فارغ وبه درسگاه حاضر شدیدپس گویا شما با یک فرحت خاص وافتخار وارد درسگاه میگردید وبا توجه کامل درس جدید را از استاد استماع میکنید بلکه اصغاع میکنید .

**نکته:**

فرق میان استماع واصغاع:

**استماع:** شنیدن سخن با حاسه سماعت را گویندعام از اینکه سخن شنیده را بیاد داشته باشد یا خیر .

**واِصغاع :**توجه قصدی وعمدی به نیت آموختن راگویند، طوریکه مفاهیم وغوروخوض در درس دانشجو را از مدرس بی توجه نکند

بهرکیف متعلم ودانشجو باید در خلال درس همه تن گوش بوده به تشریحات وتوضیحات استاد توجه کامل داشته باشد ودرس از قبل یادگرفته اش را با درس استاد مقایسه کند که درس حفظ کرده اش چند فیصد بادرس استاد مطابقت دارد چند فیصد درس را درست درک کرده وچند فیصد را غلط تا نظر به این مطابقت برای دروس آینده اش آماده گی داشته باشد.

قابل تذکر هست که دانشجو باید در خلال درس کتابچه یاداشت ویا کتابچه رف (چتل نویس )داشته باشد که در خلال درس سوالات که درذهن خطور میکنند ویا نکات مهم درس (تعریفات ، اصطلاحات ،لغات مشکل وغیره ویا موضوع جدیدی را در آن بطور نوت محفوظ بگرداند .

**۳-مذاکره وتکرار دروس:**

مرحله سوم که عبارت از مذاکره وتکرار هست بعد از دومرحله فوق (آماده گی درس جدید وهمه تن گوشی در خلال درس)آغاز میگردد.

یعنی وقت درس جدید را استاذ ارائه مینماید باید درس استاذ با همصنفیان تکرار گردد ، یکی از فواید مهم مذاکره وتکراراین هست که پختگی وثقاهت در علم حاصل میگردد ثانیا با تکرار دروس ملکه وجرات توضیح وتشریح دروس حاصل میگردد،ثالثا اینکه استعداد رشد میکند وبیشترین دروس درحافظه محفوظ میگردند حضرت علقمه بن قیس میفرمایند:**تذاکروا الحدیث فان حیاتَه ذکرُه. یعنی :**یعنی احادیث را باهم مذاکره کنید بیگمان مذاکره حدیث احیای(حفاظت)اوست.

روش مذاکره دانشجویان مختلف است بعض محصلین عادت شان براین هست که تنها مطالعه ومذاکره میکنند وبعضها با همصنفیان شان تکرار ومطالعه میکنند اما متاسفانه دانشجویانی هم دیده شده اندکه برای آماده گی امتحانات درباغها وپارکها کتاب را بازکرده وسرهایشان خم واز موبایلهایشان آهنگ میشنوند.وبعضی از جوانان فکرمیکنند کتاب بدست داریم شکل وصورت ظاهری دانشجو را کسب تحصیل میدانند.

**۶ـ روش مطالعه :**

برعلاوه شرایط مطالعه که باید مطالعه در محیط آرام ،جای امن درحال صحت باشد ، باید روش مطالعه ،نکات مهم مطالعه ودیگر امورمهم نیزتوجه صورت گیرد که به چندامرمهم آن اشاره میکنیم .

نخست از همه باید دانست که عمرمطالعه تا چهل سالگی هست ، بعد از آن مصروفیات ،ظهورآمراض گوناگون ، ضعف بصارت وغیره فرصت مطالعه را تقریبا سلب میکنند.

**۱ـنکات مهم مطالعه محفوظ گردند:**

مطالعه کننده هر آن سخن شگفت انگیز ومفیدی را که بر روح وروان وی تاثیر میگذارد نوت کند مثلا : قصه پندآموز ،جمله حکیمانه وغیره.با انجام

دادن این کار رفته رفته به مرور زمان گنجینه مروارید را نزد خویش جمع ومحفوظ گردانیده میتواند واگر همان مضامین را فهرست داده درکتابچه محفوظ کند به شخص خودش وهم به دیگران مورد استفاده قرار گرفته میتواند.واین یکی ازبهترین روش حفاظت علم است .اکثرعلمآء ودانشمندان با همین روش احساسات ،تاثرات ،علوم ومعارف شان را محفوظ گردانیده باعث استفاده قرارگرفتند.

**یک نکته مفید:**درزندگی تحصیلی عموما تمرکز افکار بر کتب تعلیمی میباشد که چگونه آموخته وحفظ گردند ودر امتحانات مختلف سال نمرات خوبی حاصل گردند.وعموما برای مطالعه کتب غیر درسی وقت میسر نمی گردد.برای کامیابی درامتحانات اگر این روش را اختیار کنیم که در خلال مطالعه وتشریح ازجانب استاد نکات مهم درس وجوابات سوالات را جداگانه در کتابچه محفوظ کنیم ودر روزهای امتحانات ازهمین کتابچه آمادگی بگیریم مفید خواهد بود وبااین روش در روزهای امتحان از مطالعه مضامین طویل کتب درسی گلون خلاصی خواهد شد .

**درمطالعه تنوع پیداکند:** یعنی اگر کتابی را که مستقل مطالعه میکند واز مطالعه مسلسل آن خسته میشود کتاب را عوض کند ودرآن حالت خستگی کتابی که باعث فرحت وتازگی طبعیت میگردد را مطالعه کند مانند: کتاب اشعار ،کتاب قصه ها وغیره کتب مفید.چنانچه حضرت علی رضی الله تعالی عنه میفرمایند:**ان هذه القلوب تمل کما تمل الابدان فالتمسوا لها من الحکمۀ طرفا** [50] یعنی : بیگمان این قلبها مانند اجسام خسته میگردند لذا برایشان پاره های حکمت تلاش کنید (باسخنان فرحت بخش به ایشان راحت برسانید.)نیز میفرمایند : **روحوا القلوب ساعة بعد ساعة فإن القلب إذا اکره**

---

[50] ـ اخبار الحمقی والمغفلین.

**عمیٰ**.یعنی :لحظه به لحظه به قلب هایتان راحت برسانید زیرا وقتی برقلب جبرکرده شود کور میگردد.

اما باید متوجه باشیم که کتب تفریحی وفرحت بخش را مقصد خود نگردانیم چون مبادا از اصل ومقاصد اساسی مارا بدور سازد .

**۳- کتابها ی مطالعه شده را دوباره بخوانید:**

با خواندن وتکرار کتب خوانده شده درعلم پختگی ووثوق حاصل میگردد ،واسلوب وروشهای جدید مطالعه ،درس وتدریس حاصل میگردد که قبل از آن نمیدانستیم .خصوصا مطالعه قران کریم که نکتات وعجائبات آن انتهای ندارد.گویا وقت بار اول کتاب را مطالعه میکنید به این معناست که با دوست جدیدی آشنا گردیده اید واگر کتاب را دوباره میخوانید گویا با دوست دیرینه تان ملاقات کرده اید.

شاگرد ذهین وزحمت کش امام شافعی بنام امام مُزنی یکی از کتب استاذ ش را پنجاه بار مطالعه کرد وخودش مینویسد که با هر مرتبه مطالعه فوائدی جدیدی را حاصل کردم .

شخصی یک نسخه (کتاب النفس )ارسطو را دید که در حاشیه آن به قلم حکیم ابونصر فارابی این جمله تحریر گردیده بود:**(انی قرأت هذا الکتاب مائة مرة )** . (فارابی نوشته بودکه ) من این کتاب را صد بار مطالعه کردم [51].

**۴-اگر در فهم مطالب کتاب مشکل پیش آید ؟**

یکی از مشکلات که متعلم ودانشجو را از مطالعه بیزار میسازد جاهای مشکل درکتاب است.پس اگر دانشجو با عبارت ویا سوال مشکلی مواجه

---

[51] - **مطالعه کیون اورکیسی.از رحمت الله ندوی هندی.**

گردد چه باید کند؟ دراین مورد رهنمایی که از ماهرین علم به ما حاصل میگردد فشرده وخلاصه اش درذیل هست .

۱-رجوع وانابت الی الله یعنی بسوی خدا رجوع کردن وخواستن از الله که درفهم این مشکل اورا یاری کند.زیرا منحیث یک محصل ودانشجوی مسلمان میدانیم بزرگترین مشکل گشای ما ذات الله هست پس نباید در وقت مشکل پروردگار خویش را فراموش کنیم .چنانچه درحالات زندگی علامه ابن تیمیه رحمه الله میاید که وقت درمسئله با مشکلی مواجه میگردیدندبحضورخدا سجده ریزگردیده به این الفاظ دعا میکردند: **یامعلم ابراهیم علمنی ویا مفهم سلیمان فهمنی. یعنی :**ای معلم ابراهیم علیه السلام مرا بیاموزان وای فهاننده سلیمان علیه السلام مرا بفهمان. خود خداوند علیم میفرمایند: **ففهمنا سلیمان .**[52] **یعنی:**ما حضرت سلیمان علیه السلام را فهماندیم .

نیز برای وسعت واضافه در علم به بارگاه الهی دست به دعا هم باشد چون پیامبر گرامی اسلام برای اضافه درعلم دعا میکرد **(رب زدنی علما).**[53]

ودعا های که باعث زیادت وبرکت درعلم میگردند را ورد زبانش بگرداندمثلا: **رب شرح لی صدری ویسرلی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی .و - سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم .**

۲-در قدم دوم به اهل علم رجوع کند:

ودر حل مشکلات درسی از آنها استفاده کند دراین باره قرآن رهنمایی میکند: **فأسْأَلوُا أَهْل الذِكرْ إنْ كُنتمْ لا تَعْلَموُن** [54] یعنی اگرنمیدانید ازاهل علم بپرسید. همچنان رسول گرامی اسلام فرموده اند: **الا سلوا اذا لم یعلموا**

---

[52] - سوره انبیآء۷۹.
[53] - سوره طه ۱۱۴
[54] - سوره النحل ۴۳

**فانما شفاء العی السوال**[55] .یعنی:آگاه باشید وقتی درمورد چیزی نمیدانید بپرسید چون علاج نافهمی سوال کردن است .

۳- مقام مشکل را ترک کرده پیش برود:

گاه گاهی تقاضای حکمت ودانش همین میباشد که اگر درخلال درس اگر با مشکلی برمیخورید وبا کوشش مناسب حل نمیگردد آن حصه درس را ترک کرده از مقام دیگری درس را آغاز کنید چون طبیعت انسانی به یک حالت نمیباشد ممکن دانشجو درحالتی باشد که نمیتواند مقام مشکل درس را یادگیرد وبعدا درحالتی باشد که همان مقام مشکل درس را باسانی یادگیرد.

## آداب درسگاه:

۱-دانشجوباید قبل ازوقت به دانشگاه برسد وبر نشستگاهش با اطمینان کامل نشسته ولوازم ضروری درس را آماده سازد.

۲- احساس عظمت ومقام درسگاه را درقلبش داشته باشدوفضل واحسان الله را یاد کند که اورا لایق این نعمت دانست وتوفیق بخشید .وظاهراست که حق نعمت ، شکرگذاری نعمت است ،وشکرگذاری عبارت از استعمال درست وبجای آن نعمت است.

۴-نیز دانشجو باید بداند که دانشگاه ،مکتب ومدرسه بیشتر از جاهای دیگرقابل احترام است درودیوار میزوچوکی کتاب تخته ،تباشیرومارکرهمه وهمه قابل احترامند.متاسفانه اکثریت دانشجویان درمدارس ، دانشگاه های دولتی و خصوصی به این فکر وگمان اند که چونکه ما فیس تادیه میکنیم فلهذا ما صاحبزاده گانیم وحق داریم استاد را بی احترامی کنیم ویا چیزی از لوازم درسی را ضایع کنیم.

روی تخته سخنان مزخرف وبیهوده نوشتن نیز یکی از

---

[55] - رواه ابوداود .

کفران نعمت وناقدری وبی احترامی به درسگاه و دانشگاه هست.
۵-یکی از ناقدری تعلیم این هست که دانشجو بر وقت به دروس خویش رسیده گی نمیکند گاهی دوری راه وگاهی ازدحام ترافیکی وغیره را عذر میداند حالانکه همه این امور عذر شده نمیتوانند چون سالهاست که به دانشگاه رفت وآمد داریم واز همه مشکلات راه ها وازدحام بخوبی آگاه هستیم پس اگر وقت خویش را از قبل تنظیم کنیم دچار مشکل نخواهیم گردید.
بالفرض اگرتسلییم کنیم که عذرمعقول هست واستاذ عذر مارا پذیرفت بازهم خساره ونقصان درس که میشد گردید فلهذا ضروریست که حتی الامکان از غیرحاضری به مدرسه ،مکتب و دانشگاه ،اجتناب ورزیم ونگذاریم درسی ازدروس ضایع گردد.

**آداب کتابها:**

۱- متعلم ودانش جونخست ازهمه کتابهای ضروری ومورد ضرورت خود را خریداری نماید اگرتوان خریدن را ندارد ازدوستانش به عاریت (بطورموقت )بخواهد ومشکلش را حل کرده برگرداند عموما کتابهای که از همصنفیان به طور عاریت گرفته میشوند بی توجهی های صورت میگیرند مثلا:برپوش کتاب ودر داخل کتاب نوشته میشود پوش کتاب پاره کرده میشود وحتی کتاب گم کرده میشود که این کار از نظردینی واخلاقی غلط ویک نوع خیانت درامانت است.وحتی برشخصیت وتربیه فامیلی شخص برمیخورد .اما عموما اینگونه کارها اصلا عیب دانسته نمیشود .
کتاب باید برزمین گذاشته نشود این هم دیده شده که اکثرا متعلمین کتاب را بر زمین گذاشته وحتی بسا اوقات خود متعلم ویا دیگران از بالای کتاب میگذرند که بی ادبی بزرگی درحق کتاب وعلم هست .

**آداب نوشتن :**

اگرآیات ویا آیتی از قران کریم را می نویسد واجب است که درحالت وضوبنویسد البته علاوه از قرانکریم اگر دیگرمسایل دینی را مینویسد مثلا احادیث ، مسائل فقهی وغیره بهترست باوضو باشد.

۲-نوشتن را با نام الله آغازکند البته اختیار دارد بسم الله ..... را روی کاغذ و کتابچه بنویسد ویا زبانی بخواند البته بهترست بنویسد چون رسول الله صلی الله علیه وسلم خطوطش را بانوشتن اسم الله آغازکرده اند همچنان روش اسلاف نیز همین بوده .

۳-نیز با اسم الله ویاهم رسول الله ویا صحابی وبزرگان واسلاف القاب تعظیمی مانند جل جلاله وبا نام رسول الله درودشریف صلی الله علیه وسلم با نام صحابی رضی الله عنه وبانام عالم که وفات کرده رحمه الله وبا نام عالم که درقید حیات است **دامت برکاتهم ویا مدظله** وغیره الفاظ استعمال کند. نیز این الفاظ مکمل نوشته شوند نه به شکل مخفف آن قسمیکه دراین زمان شیوه بعض مصنفین هست که با اسم مبارک الله جل جلاله تنها (ج) مینویسند ویا با نام رسول الله صلی الله علیه وسلم تنها (ص) ویا با اسمای دیگر انبیا علیهم السلام تنها (ع) مینویسند این درست است که مخففات در نوشتن شایع ورایج اند اما نمیتوان ذات الله جل جلاله ویا رسول الله صلی الله علیه وسلم ودیگرانبیآء علیهم السلام را برعامه مردم ویا دیگرامور‌دنیا قیاس کرد اگر ما به رییس صاحب یک اداره ورقه عرض مینویسیم وبا لفظ رییس بجای صاحب تنها نوشتن (ص ویا صا) را بی ادبی میدانیم پس درحق الله ورسولش چطور روا بدانیم ؟؟؟

۴- نوشتن واضح باشد که هرگاه بخواهد خود ویادیگران بخوانند نوشته اش قابل خوانش واستفاده باشد با قلم های نوک باریک که نوشته های آن با دقت خوانده میشود ننویسد. عموما دانشجویان درمعامله خط وطرز نوشتاری بی اعتنا وکسل بنظر میرسند به خوشخطی اصلا توجه نمیکنند ،خط که حتی بر

شخصیت انسان تحصیل کرده تاثیر بسزای دارد توجه صورت نمیگیرد واز زمان طالب علمی وقت برخط توجه صورت نمیگیرد رفته رفته وقتی به عهده های بلند وبالا میرسند از ناحیه خوش نویسی ایشان رنج میبرند وخود را از این ناحیه حقیر تصور میکنند لذا ضروریست که از اوان طالب علمی برخط توجه داشته باشند تا در آینده دچار این گونه مشکلات نگردند وآنعده دوستانیکه که دچار این مشکل هستند حالا هم میتوانند برخوشخطی توجه کنند نزد استادان کهنه مشق به کورسها بروند واگر حیا مانع میگردد پس زمان ،زمان ساینس وتکنالوژی هست میتوانند از طریق انترنت کلیپ های خوش نویسی را دیده مشق کنند خوش نویسی با قلم خودکار، کارمشکلی نیست اما توجه به بعض باریکیها دارد وشوق وعزم واراده پخته کار دارد.

۵-اصول نوشتاری درنظر گرفته شود مثلا : علامات ترقیم از قبیل کامه علامه سوالیه وغیره علامات را درمواقع مناسب آن استعمال نماید.

همچنان نوتهای که درخلال درس نوشته را درصورت امکان از استاذ محترم تصحیح کند بر الفاظ مشکل اِعراب(زبر،زیروغیره ) بدهد چون بعض الفاظ عربی وغیره بدون اعراب به آسانی خوانده نمیشوند.

نیز اگر نکته مهمی را در درس میخواهد درحاشیه کتاب بنویسد بهترست برجمله مربوطه که درمتن کتاب هست عددی مثلا (۱) بنویسد وهمان عدد را درحاشیه نوشته درمورد آن درحاشیه ، نکته ویا آنچه از تشریح ضروری که میخواهد بنویسد.

این بود بعض رهنمودهای مهم وضروری که به خدمت شما عزیزان تقدیم نمودم گرچه در این مورد اصول وضوابط تفصیلی وبیشتر درکتب دیگرعلمی دراین موضوع ذکر گردیده اند، بنده بر مشتی نمونه از خرواری اکتفاء نمود .به امید اینکه خداوند متعال بنده را درقدم اول توفیق عنایت فرماید تا آنچه نوشتم مشعل وسرمشق زندگی خویش گردانم وثانیا به هرقاری ومطالعه کننده این کتاب این توفیق را عنایت بخشد تا از مطالعه این

کتاب استفاده درست نموده هدف درست زندگی را تعیین نموده
مصدرخدمت به فامیل،خانواده واین جامعه وکشور دردیده ورنجیده گردد .
وصلی الله تعالی علی رسوله محمدوآله واصحابه اجمعین آمین .

فقط العبد الحقیرالفقیر الی عفو ربه الغنی الحمید. ابومحمدریحان الله رمزی .

Email: Rayhanullah.ramzi@gmail.com Phone :0093 78 50 60 313